



فن مبارزه با پلیس اصول مخفیکاری

۲۰

سازمان مجاهدین خلق ایران

ازانتشارات :
سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)
مرداد ماه ۱۳۵۳

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

اصول مخفیکاری فن مبارزه با پلیس

سازمان مجاهدین خلق ایران

تأليف: رفقہ ریستہ لکچر نویس

ارشيو اسناد سازمان پيکار در راه آزادی طبقهء کارگر

www.peykar.org

مسئله — برای اینکه اهمیت آگاهی همگانی را
از اصول این مبارزه و بکار بستن یکایک آنها را در این
مرحله حماس از حیات جنبش دریابیم لازم است ابتدا
وضعیت جنبش را در بریتون با قوای پلیسی رژیم
حاکم در طی قریب به سه سال که از عمر آن میگذرد
باختصار و بطور کلی بررسی نماییم *

با آغاز جنبش مسلحانه ایران، گروهها و سازمانهای انقلابی
پیش از متوالیا ضربه های کاری و گنج کنند های بر نیروها و سازمانهای
پلیسی و موسسات سرمایه داری رژیم وارد ساختند. بطوریکه از یک طرف
شر و امید ی در دل های مردم زنجیده و قشرهای مبارز ایجاد نمودند
و از طرف دیگر بعلمت عدم تجربه و اطلاع کافی از تاکتیک های پلیسی،
متحمل تلفاتی شده و قسمتی از کادرهای مبارز با سارت رژیم در آمدند *
اما در مراحل بعدی، این گروهها و سازمانهای انقلابی توانستند
در مقابل حملات رژیم پلیسی، بسویت، اسکت تشکیلاتی خود را بگونه ای
که در مقابل تاکتیک های پلیسی رژیم قادر باد امد حیات باشد تجدید
سازمان نموده و با تکیه بر قدرت و مقاومت تشکیلاتی نه تنها در مقابل
ضربات و گزند های دشمن قادر باد امد حیات انقلابی خود گردیدند
بلکه همچنان ضربات کاری و کسند های بر ممبره های نظامی و پلیسی

رژیم و مشاورین و مستشاران آمریکائیشان وارد سازند. در این مرحله از مبارزه سازمانهای انقلابی با تکیه بر تجارب گذشته و هوشیاری انقلابی، تلفات خود را به حداقل ممکن تقلیل داده و از زیر حملات و ضربات پلیسی دشمن بصورت عناصر مقاوم و شکست ناپذیری بیرون آمدند.

اما پلیس متدريج که از دست يابی بر عناصر اصلی و هسته های جنبش مأیوس و ناامید میگردد، حملات و ضربات خود را به افراد و گروههای جانبی که با آغاز مبارزه مسلحانه به کمک جنبش شتافتند متوجه میسازد. باین امید که با دستگیری آنان امکانات جدیدی را که برای جنبش ایجاد شده از بین برده و زمینه رشد و توسعه جنبش مسلحانه را ضایع سازد و علاوه بر آن از طریق دستگیری افراد علاقمند و مؤمن به جنبش یا افراد یک دارای سابقه مبارزه با رژیم هستند بتواند سرخشی از افراد و هسته های گروههای چریکی پیدا نماید.

باین ترتیب عملاً مشاهده میکنیم در مراحل بعدی تلفات نیروها کمتر از افراد و کادرهای چریکی بود و بیشتر از افراد جانبی و علاقمند به مبارزه چریکی هستند که هر يك بنحوی در توزیع یا تکثیر اعلامیه ها و نشریات سازمانهای چریکی و یا در کمک مالی و معنوی بدانك شرکت داشته اند. علاوه بر اینگونه افراد، عده دیگری از افراد مؤمن و مبارز که امکان کمک مستقیم یا پیوستن به گروههای چریکی را بیسند نکرده بودند با یافتن بارقه امید و روشنائی راه مبارزه مسلحانه و خود مستقلاً به تشکیل گروهها و هسته های انقلابی اقدام نمودند، اما بعلمت

عدم آشنائی کافی با شرائط پلیسی و اصول ایمنی و کاربرد آنها، عده ای از اینگونه مبارزین طی حملات و هجروهای پلیس با سسارت افتادند.

تمامی این تلفات مراحل بعدی جنبش را باید در دو علت کلی خلاصه نماییم:

۱- عدم اطلاع و آشنائی کافی از شرائط پلیسی حاکم و اصول ایمنی مبارزه، قبل از دستگیری و یا در دوران اسارت.

۲- تاکتیک رژیم پلیسی در توسل به احتمالات و شانسمو تصادف.

باین معنی که رژیم با وحشتی که از بالا رفتن تجربیه و هوشیاری انقلابی چریکهای شهری از يك طرف و گسترش روز افزون جنبش در میان توده های جوان و انقلابی کشور از طرف دیگر احساس مینماید بصورت بر کمیت نیروهای پلیسی خود افزوده و با گسترش آنها در سطح وسیعی از شهرها بر کنترل و بازرسی خون افزوده است. و واقع این همان سیاست سنگ و گچش است که با روشها و وسائلی که ذیلاً باختصار آنها را شرح میکنیم برای دستگیری يك چریك یا فرد مبارز، به شانسمو تصادف متوسل میگردد:

۱- گروههای گشتی و تجسس شهری - از این گروههای گشتی آنها که علنی و آشکار است همان پیکان های یشمی یا سفیدی است که با مارک پلیس و نحوه شهر یابی بوده و در اختیار کلانتریهاست و عموماً دارای سه سر نشین است: فرمانده گروه (يك انسر ملج به کلمت

در کنار راننده)، راننده مسلح به کلت و سموم يك درجه دار پلیس مسلح به مسلسل " ییزی " اسرائیلی در عقب و پشت سرافسر منور، در ضمن این ماشینها به وسیله دستگاه ها براتی با يك مرکز فرماندهی، احتمالا در اداره پلیس تهران، در تماس هستند.

گروههای گشتی ساواک با ماشینهای شخصی مختلف مخصوصا با ماشین پیکان سفید که عموما با راننده دارای چهار سرنشین هستند، این گروهها در خیابانهای تهران و مراکز استانها بهر کسرها هر وسیله نقلیه ای که مشکوک بشوند آنها متوقف و بازرسی و کنترل مینمایند.

۲ - کنترل های موضعی ناگهانی شهری - باین معنی که در يك ساعت معین در روز یا در شب (روزها معمولا صبح زود شبها تا حدودی دیر وقت) در چندین چهارراه مهم بطور همزمان بوسیله افراد پلیس ساواک، کلیه موتور سوارها، اتوبیلها و حتی گاهی از اوقات عابری را متوقف و بازرسی مینمایند. این کنترلها تا کون بارها در تهران و شهرستانها بویژه قم شیراز اصفهان و آبادان اجرا شده است.

۳ - کنترل هلی اتفاقی یا منظم خارج شهری - این کنترلها اتفاقی از ماشینهای شخصی و مسافری بوسیله پلیس راه در محصل پامنگاهای مربوطه و به بهانه یافتن مواد مخدر یا اشیا قاچاق صورت میگیرد. تا کون در جاده های شیراز، بند عباس و آبادان که امکان وارد کردن اسلحه از طرف گروههای مبارز وجود دارد این کنترلها بطور مداوم جریان داشته است. علاوه بر آن، در پامنگاهای پلیس راه دروازه های خروجی تهران، در این اواخر مامورین ساواک ماشینهای

مسافری و در بعضی موارد ماشینهای شخصی را برای پیدا کردن چریکهای شهری یا افراد فراری کنترل و جستجو نموده اند. در دروازه ورودی قم برای مدت طولانی متجاوز از يك ماه کلیه اتوبوسهای مسافری و در بعضی اوقات ماشینهای شخصی را بوسیله عوامل ساواک و شهرانی به منظور پیدا کردن انقلابیون متوقف و بازرسی نمود مانه.

۴ - جدیدترین تاکتیک دستگاه برای استفاده از تضاد ف و شناس و هجومهای ناگهانی بخانه و محل کار افرادی است که از گذشته دارای سابقه مبارزه و مخالفت با رژیم هستند. باین امید که بمدارك و اسناد جدیدی دست یابد و سرنخی بدست آورد.

آیا رژیم خائن از این پی گیریها و هجومهای با حساب و بسی حساب چه هدفی را تعقیب مینماید؟

۱ - انتقام از عملیات چریکی و نابود ساختن کادرهای چریکی شهری واضح است که رژیم از ضربه ها و زخمهای متوالی که تا کون گروههای چریکی بر پیکر آن وارد ساخته اند جری و خشمگین است و پیوسته در تلاش یافتن ردی از عناصر و هسته های جنبش است تا با شناسائی و دستگیری مبارزین از جان گذشته، جنبش را ریشه کن ساخته و آسایش خاطر و امنیت را که متجاوز از در سال رژیم افراد و موسسات نظامی و سرمایه داری غارتگرش از آن محروم هستند دوباره بدست آورند. تا ناچار از ترس انتقام و عقوبت ملت و گروههای پیشتاز خلق به جنایات دزدیها و کامرانیهای خود همچنان ادامه دهند.

۲ - با شناسائی و دستگیری وسیع افراد پر شور و مؤمن به مبارزه

مسلحانه از پیوستن افراد جدید به گروههای چریکی موجود یا تشکیل
ورشد گروههای انقلابی جدید جلوگیری نموده و با نگاهداری آنها
در زندانهای آریامهری نیروهای بالقوه مبارزه را عاطل و باطل و اگر
بتواند مایوس سازد *

۳- در جامعه کنونی که زیر بار هزینه های نظامی و فساد
کردارندگان رژیم روز بروز هزینه زندگی و قیمت مایحتاج اولیه زندگی
گرانتر و توده مردم فقیرتر و محروم تر میشوند، دوام و پیروزیهای جنبش
چریکی و مبارزه مسلحانه برای توده مردم، ایجاد کننده امید نجات و
نشان دهنده راه پیروزی و آفریننده شور انقلابی است. آری در
اجتماع طبقاتی کنونی که زیر چکمه های نظامیان آمریکائی و اسرائیلی
و سرمایه داران غارتگر، مردم میهن ما روز بروز فقیرتر و زیر بار
هزینه زندگی خرد تر میشوند، مبارزه مسلحانه و کشتن جنایتکاران آمریکائی
و نوکران ایرانی آنها در حکم افروختن شعله در انباری از باروت است.
لذا تا روزگار مردم از این هم سیاه تر نشده می خواهند هر چه
زودتر به عمر گروههای چریکی خاتمه داده شود. پس با افزایش هفت تن
بند ها و کنترلها و هجومهای اعدای، در توده مردم ایجاد و عبور وحشت
و یأس و ناامیدی مینمایند تا بین آنها و جنبش چریکی فاصله جدائی
ایجاد شود *

۴- از همه مهمتر میخواهند با جلوگیری از بقا و رشد جنبش،
استراتژی مبارزه مسلحانه را هم در فکر و هم در عمل سرکوب نموده و راهی
را که به وسیله پیشتازان انقلابی و شهدای راه حق برای نجات مردم

گشوده شده است و راهمان و افکار توده مردم بی اثر و شسته
را ببرد. مبارزه با فتنه از آنکه ملت را هم را که با قیمت خون هزاران نفر
در ۱۵ خرداد ۱۳۵۲ و خون دهها شهید، به دام افتادین و غیبه در
سه سال گذشته پیدا نموده همچنان به عنوان تنها راه نجات خود از
چنگال حکومت دستانده آمریکا و اسرائیل با گامهای استوار و سراسر
خوابه پیوند *

وظیفه و مسئولیت هر فرد در قبال جمعیت و ملت و آینده جنبش

اکنون که دشمن با تمام امکانات داخلی و پشتیبانیهای ابرپایستهای
خارجی قصد جان و موجودیت جنبش مسلحانه را دارد و وظیفه اساسی همه
ما دفاع از حیات و بقا جنبش و تلاش برای رشد و گسترش شعله های
خائن سوز آن است. برای انجام این رسالت و وظیفه مهم علاوه بر آنکه
جنبش پیش از گذشته به کمکهای مادی و معنوی کارگران و دهقانان و
پیش و روان و روشنفکران انقلابی و روحانیون حقیقی نیازمند است. ضرورت
اساسی و حیاتی دارد که هر نوع اقدام و کلام به جنبش مسلحانه بر اساس
درک شرایط حاکم و با رعایت اصول ایمنی مبارزه و مخفی و زیرزمینی صورت
گیرد. رعایت این اصول ما را قادر میسازد در عین حالیکه به پیشرو نیست
جنبش کمک مینمائیم از یک طرف از اختلاف بیهوده قوای خود میروسانیم
جلوگیری نموده و از طرف دیگر نیروهای امنیتی و پلیسی دشمن را در
پی گیریها و عملیات خود هر چه بیشتر گیج و گمراه نموده و توانیسان را
حس و روحیهشان را ضعیف و مایوس سازیم. در یک چنین حالتی است
که افزایش و گسترش قوای پلیسی در درون رژیم را ناپاک و سراسر

نیرویهای مبارز مانعی ایجاد نمی نماید. علاوه بر این اگر پلیس در عملیات خود نتایج درخشانی بدست نیاورد گذشته از از دست دادن روحیه خود و شخصیت کاذبی را که رژیم برایش ساخته است هم در آن هان مردم به هم در برابر گردانندگان رژیم بسویت از دست خواهد داد. روشن است هر نیروی قدرتی که فاقد شخصیت و روحیه باشد هر چند دارای افراد زیاد باشد در مقابل اقلیت مؤمن و فدakar چیزی جز یک قسدرت پرتالی نخواهد بود. بنابراین در شرایط فعلی آن کنگی به جنبش با آرزوی و حیاتی است که از بی احتیاطی ها پاک و منزله بده و بر اساس حمایت کلیه ضوابط این مبارزه مخفی و هوشیاری و ابتکار انقلابی صورت گیرد.

اصول و مواردی که ذیلا بیان میشود در عین اینکه کلی و در بعضی موارد ابتدائی بنظر میرسند اما بطور عمده از تجارب و قیامی که در کنار یا در پطن جنبش مسلحانه سه سال اخیر بوقوع پیوسته نتیجه گیری شده است و بعنوان جدا قلی از ضوابط و نکات این مبارزه مخفی از طرف کلیه افرادی که بنحوی در مبارزه عادلانه ملت علیه حکومت ظالم و فاسد و دست نشانده اجنبی حاکم بر ایران خود را سهم و مسئول میدانند باید اجرا شود. این اصول و موارد میتواند در حکم بنای پایداری برای آموزش های اولیه افرادی که سرور و تازده مبارزه در سردارند قرار گیرد تا همراه آموزش های اولیه عقیدتی و سیاسی به سه احتیاطات امنیتی آگاه و از ابتدای کار مبارزه به رعایت آنها ملزم گردند.

۱. پرهیز از تظاهر خارجی - در شرایط پلیسی محکم و پسر

ایران، رفتار و عملیات یک مبارز باید از هر نوع تظاهر و نمود خارجی بدور باشد. و این اصل اولیه در هر زمان و شرایط اجتماعی باید بر اعسال و گفتار مبارز حاکم باشد. نصب عکس شخصیت های سیاسی و انقلابی، بحث کردن یا مطالعه نوشته و کتاب سیاسی و ایدئولوژیکی در محل کار، کلاس درس، آسایشگاه سربازی، داخل اتوبوس شهری یا مسافری برای یک مبارز که بنحوی در مبارزه مخفی شرکت دارد و یاد در مرحله خود سازی و آماده کردن خود برای شرکت در مبارزه مسلحانه است نمونه های ساده ای از تظاهر خارجی است که هر یک بنوبه خود میتواند نشانه آشکاری را برای جلب توجه و سوءظن دشمن یا اطرافیان فراهم سازد. هر نوع تظاهر خارجی در محیط های اجتماعی، در حکم گناه کبیره ای است که احتمالا به لورتن خود و دوستان هم فکر منجر خواهد گردید.

اگر شما با تظاهر خارجی خود به مامورین امنیتی هشدازند دهید برخلاف ادعای رژیم تمامی آنها فاقد شعور و هوشیاری لازم برای شناخت یک مبارز هستید. بسیاری از لورتن ها و دستگیریه را بجای آنکه بحساب هوشیاری و قدرت پلیس بگذاریم باید بحساب سادگی و عدم رعایت اصول امنیتی و یا اشتباهات تاکتیکی از طرف خودمان بگذاریم. برای نمونه، یکی از تروهای سیاسی بعلمت اشتباه ساده و دوفراز اعضا آن مقارن شروع مبارزه مسلحانه شناخته شد و تعداد زیادی از انفراد آن دستگیر گردیدند. اشتباه ساده آن دوفرد مبارز در این بود که در ضمن یک مسافرتی که برای انجام یک کار تشکیلاتی عازم بودند در همین راه و در داخل اتوبوس دوباره کار و برنامه خود طوری با همدیگر صحبت

مینماید که يك نفر درجه دار که با لباس شخصی و در نزدیکی آنها
نشسته بوده از عقاید سیاسی و برنامه کار آنها تا حدودی آگاه می-
شود و همین امر موجب لو رفتن آن در نفر و تسدای از رفتن
و سازمانشان میگردد. در همین اواخر نیز یکی از مبارزین هنگامیکه
با نوشتنهای را در داخل اتوبوس مسافری مطالعه میکند فرد بدخل دوستی
وی که بنا بر وظیفه امنیتی اش کجکا و بوده از متن نوشته و عقاید او آگاه
میگردد و همین امر منجر به لو رفتن و دستگیری او میشود. منتهی این-
انقلابی فدائیکار که برای انجام مأموریت مهمی میرفته برای اینکه رژیم
دست نشاند را از اسرار سازمان انقلابیتر حرم سازد بهما خسرون
میانور شهادت انقلابی را استقبال مینماید *

از ذکر این دو تجربه نباید چنین تصور نمود که مأمورین امنیتی
مانند جن و پری در همه جا و در داخل هر اتوبوسی حاضر هستند. البته
گاه و بیگاه و بنا با وضاع و احوال، با اتوبوسهایی که از تهران به شهرهای
بزرگ احساس و یا بالعکس رفت و آمد میکنند یکفر مزدور رژیم بنا بر وظیفه
یا برای انجام کارهای شخصی، ممکن است وجود داشته باشد. به همین
دلیل و به دلیل کودنی مزدوران رژیم از حد های احتیاطی و تظاهر
خارجی مبارزین، يك مورد به تور آنها میخورد. اما در دوره رشید
و بالندگی جنبش مسلحانه و مبارزه عادلانه، همین يك مورد و لو رفتن
يك فرد و احیاناً افراد مبارز دیگر، بسیار گران تمام خواهد شد و لذا باید
با خود داری از هر گونه تظاهر خارجی از وقوع این گونه حوادث جلوگیری
بعمل آید *

البته برای يك انسان مبارز و شرافتمند طبعاً بسیار دشوار و
ناراحت کننده است که اوقات مرده و بیکاری خود را در داخل اتوبوس یا
محیط کلاس و آسایشگاه سرپازی و یا محل کار یا سرگرمیهای بی نتیجه
نظیر حل کردن جدول، مطالعه کتب و مجلات و گوش کردن موسیقی ها
جلف و تخدیر کننده و یا صحبت های بیپسود، درباره آب و هوا، ماشین،
زمین، اداره، کارخانه، زن و بچه اوقات زندگی پرافتخارش را تلف نماید.
قطعاً گفتگو و در دل يك انسان شریف در اجتماع فاسد و استعمار زنیان
نمیتواند از رنجها و مشکلات توده مردم و جنایات و فساد رژیم ضرورت
قیام و عمل، خارج باشد اما يك مبارز باید بداند که اکنون در سختترین
شرایط پلیسی تاریخ زندگی میکند، شرایطی که رژیم خائن بكمك و راهنمایی
مستشاران آمریکائی و مشاورین اسرائیلی اش بعد های از کیف ترسین
و جنایتکارترین عناصر اجتماعی را برای شناختن و نابود کردن هر آنچه
انسانی است سازمان داده است، در این شرایط بجای حرف باید عمل
کرد لذا باید هر کار عملی که در جهت مبارزه با رژیم بعمل می آید بهما
در نظر گرفتن مسائل امنیتی صورت گیرد تا در راتيك اجتماعی بعد از مدتی
تکرار رعایت این اصول جنبه عادت و سنت انقلابی پیدا نماید. صحبت
کردن با صدای بلند درباره مسائل سیاسی و عقیدتی در خیابانهای
پر جمعیت و مسیر شلوغ کوهستان عاداتی مذموم و غیر تشکیلاتی است.
در محیط های اجتماعی باید با داشتن ظرفیت و حوصله لازم از شرکت
در بحث های چند نفری و خصوصاً با افراد ناشناخته خود داری نمود
بعضی افراد مبارز به علت نداشتن ظرفیت لازم و کنترل بر احساسات خود

با شنیدن عقیده* مخالفی در جمع همکاران یا همکلاسها و اجتماعات مشابهی به بحث های سیاسی و عقیدتی کشیده میشوند. و افکار و عقاید خود را در یک محیط نا شناخته یا مشکوک انشاء مینمایند و این خود یکی دیگر از جنبه های تظاهر خارجی و خطرناکترین ضعف تشکیلاتی یک مبارز است* در بعضی موارد مشاهده شده که یک فرد مبارز که مدت ها شنه* کار و عمل انقلابی بوده بعد از پیوستن بگروهی انقلابی، ایستادن موفقیت خود را با رفتاری حساب نشده و ناشیانه بدوستان خود وانمود کرده مثلا با تشویق دوستان نزدیک به مبارزه* مسلحانه یا سرزنش آنها از بی تحرکی و عدم احساس مسئولیت یا ترس هم دوستان خود را رنجانید* و هم اینکه آنها را از تعهد جدید و عضویت خود در یک گروه انقلابی مطلع ساخته است*

در مواردیکه پدر و مادر یا برادر بزرگتر دارای رشد تکوینی و اجتماعی و یا احساس مسئولیت دینی (در حدیکه لازمه فداکاری و مبارزه است) نباشند باید از هرگونه تظاهر سیاسی و عقیدتی و خصوصاً در مورد مبارزه و عمل انقلابی در مقابل آنها خودداری نمود* تجربه نشان داده که پدر و مادرها پاره ای بحالت سادگی و عدم رشد فکری و سیاسی و سیاسی تحت تأثیر علاقه شدید به فرزندان خود و از همه مهمتر به علت آگاه نداشتن بماهیت جنایتکارانه رژیم در عمل باندازه یک مأمور امنیتی بسته بودند و فرزندان خود کمک نموده و بر اساس همین خصوصیات عدای از پدر و مادرهاست که مقام امنیتی، این عنصر کیفی ساواک در مصاحبه های تلویزیونی از خانواده ها تقاضا میکند* چنانچه فرزندان

براهمهای مبارزه کشیده شوند. برای نجات آنها از مجازات سنگین، مسامحه را از فعالیتهای آنها مطلع سازید* و باز بهمین علت است که شهرستانی رژیم در این اواخر مرکزی برای* هدایت و اندرز جوانان* درست کرده و از خانواده ها تقاضا نموده چنانچه فرزندان آنها* انحرافات و سلا کج رویهایی* پیدا نمایند آنها را مطلع سازند تا بکمک روانشناسان و کارشناسان امور تربیتی این مرکز آنها را هدایت نمایند* خانواده و پدر و مادرها میدانند که این روانشناسان و کارشناسان تربیتی همان آدم گمان و جانبداران حرفه ای اجتماع هستند که امروزه سازمان امنیت و شهرانی با حقوقهای گراف برای شکجه و آزار جوانان پاک و شریف اجتماع بخد مت خود در آورده است و باز در پناه حمایت همین شهرانی و ساواک است که صدها مرکز و کانون فساد برای انحراف فکری و اخلاقی فرزندان معصوم اجتماع بوجود آمده و بکار خود ادامه میدهند. تجربیات اخیر جنبش نشان داد پدر و مادرهایی که فریب و عده های مزدوران پلیسی امنیتی رژیم را خوردند و محل فرزندان انقلابی و بیغی خود را به آسان خبر دادند بعد از اعدام این عزیزان تازه متوجه شدند چگونه بدست خود، عزیزان خویش را بدست آدم گمان حرفه ای رژیم سپرده اند و این تجربه برای سایر خانواده ها بدست آمد که بین خانواده های شریف انقلابیون و گردانندگان بی عاطفه رژیم هیچگونه رابطه اخلاقی و انسانی وجود ندارد*

نکته مهم دیگری که در خانه این اصل لازم تذکر است اینست که در شرایط کنونی مبارزه، هیچ رابطه عادی بین فعالیتهای

علنی و کارگروهی مخفی وجود ندارد. برای نمونه فردی که عضو یک گروه مخفی و انقلابی است نمیتواند در عین حال اداره کننده یک عضو فعال یک کانون یا جلسه علنی اجتماعی باشد. چه با این عمل سازمان یا گروه مخفی خود را در خطر لغو رفتن قرار خواهد داد. ما مخصوصاً در این اواخر شاهد هجومهای مکرر رژیم به کانونها و جلسات روشنگران دینی و اجتماعی بودیم و در آینده (با گسترش مبارزه و احساس مسئولیتهای دینی و وظیفهای که این جلسات مذهبی و اجتماعی برای بیداری توده مردم خواهند داشت) یک مبارز آگاه با درک صحیح شرایط باید یکی از این دو راه را انتخاب یا بدستور سازمان انقلابیانش بعهده بگیرد. تا ضمن حد اکثر اخذ نتیجه از خطرانی که مبارزه علنی برای موجودیت یک گروه مخفی مبارز بدنبال دارد جلوگیری بعمل آید.

باز تجارب گذشته بما میآموزد شرکت دانشجویی که در یک گروه مخفی عضویت دارد یا یکی از گروههای جنبش چریکی بنحوی یاری میدهد یا همکاری دارد در تظاهرات دانشجویی دانشگاه یا دانشکده بصورتی که با دادن شعار یا پخش اعلامیه یا ایراد سخنرانی خود را مشخص نماید بهیچوجه مجاز نیست و از آنجا که در این گونه تظاهرات امسکان یورش پلیس و دستگیری عدای از افراد شرکت کننده در تظاهرات همیشه موجود است لذا چنانچه دانشجوی مزبور نقش و وظیفه حساسی در یک تشکیلات و یا گروه مخفی بعهده داشته باشد که با دستگیری او ادامه کار گروه دچار مشکلاتی شود یا موجودیت آن بخطر افتد باید از شرکت مستقیم در اینگونه تظاهرات و اعتراضات جدا خودداری نماید.

بهین ترتیب چنانچه در شانهای اداری یا مسئولی نظیر دستیارگاه پلی کوی و بازار مهم دیگر موجود باشد براتب از حضور در این گشت اجتماعات و تظاهرات که امکان شناخته شدن یا خطر دستگیری و جسدن دارد باید خودداری نماید.

در بعضی موارد که رژیم تظاهرات دانشجویی را از همان ابتدا مورد حمله قرار میدهد و برای مدتی جوار آنها را باز میکند و به خاطر اینست که رژیم با کسی رود ریاستی دارد یا میخواهد مقدار کمی آزادی صدقه بدهد بلکه در یک چنین حالتی گروههای کبر معامها و سؤالهای بی جوابی در مبارزات مخفی و زیرزمینی دارد که برای یافتن جوابهای آنها و بیرون آمدن از حالت گنج و سردرگمی بدنبال سرخ و مستقل میگردد. اینست که باین تظاهرات و شرکت کنندگان پیشتر آن فرصت کافی میدهد تا تحت آن شرایط احساسات و افکار دینی خود را برآورد نمایند و بعد بایک یورش ناگهانی آنها را که نشان کرده است در همانجا یا روز بعد از سائل و خوابگاههای دانشجویی دستگیر نمایند.

چنانچه در تظاهرات اواخر سال ۱۳۵۱ دانشجویان دانشگاههای کشور، چون مدافعات مجاهد شهید مهدی رضائی قبل از آغاز اعتصابات و تظاهرات بمقدار وسیع و عمیق بای در بسیاری از شهرها و خصوصاً در تهران و اصفهان پخش گردیده بود و رژیم کوچکترین ردی از توزیع آن نیافته بود لذا برای شناسائی و یافتن سرخ از سرکوبی فوری اعتصابات و تظاهرات خودداری نمود و فرصت و زمان لازم را برای جوشن احساسات و برآورد عتاب و گرایشهای سیاسی تظاهر کنندگان فراهم

ساخت و همانروز و روز بعد عده‌ای را که بوسیله عوامل خود نشان کرده بودند دستگیر ساخت و دانشجویانی که در تهران و اصفهان و در طی این تظاهرات شناخته و دستگیر کرده بودند در بازجوئیهای آنان عملیات و سؤالات و بیاناتی را در مورد این مداخلات و چگونگی چاپ و توزیع آن بودند. در تظاهرات سال ۴۹ دانشجویان دانشگاه و نیز مساوات از دانشجویانی که در طی آن تظاهرات دستگیر کرده بودند بدستخط و رد‌های مبهمی از سازشات زیرزمینی و آمادگیهایی که برای شش‌ساع مبارزه مسلحانه بعمل میآمد پی برده بودند بعد از آن متوجه گردید که عده‌ای از دانشجویانی را که در آن تظاهرات دستگیر کرده است از افراد و یا فعالین گروههای متعدد انقلابی و زیرزمینی هستند.

در هر صورت يك مبارز باید در هر شرایط و هر زمان بر اعصاب و احساسات خود تسلط داشته باشد و کوچکترین نشانه‌ای از مبارزه مخفی خود را ابراز ننماید و بداند اساسی‌ترین و پاینده‌ترین اقدام در شرایط پلیسی فعلی کار انقلابی زیرزمینی است.

۲. سعادی بسودن: بعد از آنکه صد ها انسان پالک‌شیرین در طی قریب به سه سالی که از آغاز جنبش مسلحانه خلق ما میگذشت، شناخته و دستگیر گردیدند، رژیم شناسائی‌های زیادی از خصوصیات اخلاقی و زندگی يك انقلابی از جان گذشته و روشها و تاکتیکهای مبارزه پیدا نمود. مردم وطن ما نیز با اطلاعی که از افکار و فداکارانه‌های انقلابیون پیدا نمودند روز به روز حس کجکاو و حساسیت آنها باین

انسانهای شرافتمندی که گاه و بیگاه از اداره یا کارخانه یا کلاس یا محل آنها ربوده میشوند افزایش یافت. روسای ادارات و کارخانه مساوات دانشکده ها و دبیرستانها نسبت بافرادیکه در اطراف آنها هستند با کجکاو و خصوصیات و شخصیت بارز يك چریک را جستجو میکنند. نیروهای پلیسی در جلو هر وزارت خانه یا کلاتری در قیافه مراجعین و ابرین و قیافه و خصوصیات يك چریک شهری را جستجو میکنند. کابوس چریک آسایش خیال و خواب راحت را بر عناصر میزد و بر خود فروخته رژیم حرام کرده است. (آیا بحقیقت تکامل مبارزه جز این چیز دیگری است؟)

در چنین شرایطی که دوست و دشمن نسبت بافراد مبارز و چریکهای از جان گذشته و دارای حساسیت و کجکاو هستند يك مبارز انقلابی برای اینکه همچنان ناشناخته بماند و کوچکترین سوءظن و توجه اطرافیان را بسوی خود جلب نکند باید تمام اعمال و رفتار در محیط هادی و طبیعی باشد. يك انسان مبارز در حالیکه دروش سرشار از خشم و نفرت و کینه نسبت به رژیم حاکم و روابط ضد انسانی اجتماع کنونی است اما از نظر ظاهر با محیط اطرافش باید هماهنگ باشد.

برای نمونه اگر در ادارای کار میکنید که دیگران بالباسهای اطو زده و کراوات و ظاهر آراسته هستند شما نباید بالباسهای ساده و باصطلاح درویشی، در محل کار حاضر شوید و باید توجه داشته باشید در جامعه فاسد و پلیسی کنونی آنها در آغاز جنبش مسلحانه نمیتوانیم همه ایدآلهای انسانی خود را پیاده کنیم درست بهمین دلیل است که مبارزه میکنیم و برای سقوط رژیم حاکم تمام خطرات

و مصائب را استقبال میکنیم تا نامله‌های بعدی بتوانند در جامه‌های
توحیدی بی طبقه و خالی از روابط استثماری زیست کنند و تکامل یابند.
بعنوان مثال در محیط کار غیبت یا مرخصی‌های متوالی ممکن
است امری غیرعادی تلقی شده و جلب توجه و ایجاد سوءظن نماید کما
اینکه از هنگام اوج مبارزه مسلحانه در کارخانجات و موسسات در مورد
حضور و غیاب کارکنان دقت و کنترل بیشتری بعمل می‌آید و اینکار غالباً به
انفراد و عناصر مشکوک و مزدور واکذا شده است. علاوه بر این چون
تصور میکنند یک مبارز انقلابی با کینه و دشمنی ای که نسبت به رژیم
حاکم و سرمایه داران غارتگرش دارد در ادارات و کارخانجات دولتی
و خصوصی با علاقه کار نخواهد کرد لذا در بعضی موسسات و ادارات
و کارخانجات بر رؤسا و مسئولین قسمتها گوتزد نمود فاند که نسبت به افراد
کم کار و بی علاقه مواظبت و توجه بیشتری بنمایند تا چنانچه غیر از تبلی
انگیزه سیاسی در کار باشد توجه لازم بعمل آید. بنابراین یک مبارز
در محیط کار باید باند از مای کار بکند یا بکار کردن تظاهر نماید تا در
رؤسا و مدیران مافوق ایجاد سوءظن و توجه ننماید. در محیط خانواده
و بستگان بهمان دلائلی که قبلاً ذکر شد اعمال و رفتار ما نباید غیر
عادی و مرموز باشد در صورتیکه تنها در حلقه زندگی میکنیم چون توجه
و حساسیت دیگران نسبت به ما زیاد تر خواهد بود همواره باید توجه
داشته باشیم که زندگی و رفت و آمد های ما با دوستان و رفقای تشکیلاتی
برای همسایگان و افراد محل غیر عادی و مشکوک نباشد. چنانچه در محیط
های دانشجویی نظیر کوی یا خوابگاه دانشجویی زندگی میکنیم چون سطح

همیشگی و دقت آنها بالاتر و میزان تماس با دیگران زیاد تر است باید
مواظبت بیشتری بعمل آورد چنانچه زندگی انقلابی یک مبارز به طاعت
کار و وظیفه تشکیلاتی اش بطور اجتناب ناپذیری در یک چنین محیط
های شبانه روزی برای دیگران غیر عادی و موجبات سوءظن را فراهم
میسازد باید از سکونت در آنجا خودداری نمود.
در دوره های تعلیماتی سر بازی که امکان وجود یک فسر
خود فروخته در آسایشگاه یا گروهان زیاد است باید بر رفتار و
گفتار خود تسلط و کنترل بیشتری داشت و از هر نوع عمل غیر عادی مثلاً
بر خورد با نظامیان مافوق که جلب توجه اطرافیان و فرماندهان نظامی
بالاتر را بنماید اجتناب نمائیم. در مراسم و مواقع خاصی که امکان توجه
و کنترل جاسوسان یا فرماندهان زیاد تر است مثلاً مراسم دعا های
صبحگاهی و شامگاهی با حرکت دادن لب و دهان باید از توجه و سوءظن
آنان جلوگیری نمود.

در رفت و آمد های روزانه در داخل شهر از بعضی اعمال غیر
عادی از قبیل دیدن یا مرتباً به پشت سرو اطراف نگاه کردن مخصوصاً
هنگامیکه در حین اجرای یک وظیفه تشکیلاتی هستیم باید خودداری
نمائیم. در چنین مواقعی با تسلط کامل بر اعصاب و حرکات خود با هر
وسیله نقلیه ای که هستیم باید با سرعت مناسب و رعایت مقررات رانندگی
حرکت نمائیم. یک فرد مبارز در اوائل کار ممکن است در حین انجام
یک وظیفه تشکیلاتی نظیر انتقال مدارک یا لوازمی از یک محل به محل
دیگر تصور نماید که تمام اطرافیان مواظب و مراقب او هستند و همه چیز

احساس شك و سوء ظن مینماید غافل از آنكه اطرافیان حتی پلیسی كه
از كارش بیبر میکند در همان حالت به گرفتاریها و بدبختیهای خود
و خانواده اش می اندیشد. این حالات و حرکات غیرعادی اولیه پس از
اجرای چند مأموریت و وظیفه تشکیلاتی مرتفع خواهد گردید زیرا تنها
در طی پراتیک اجتماعی و فعالیتهای انقلابی است كه انسان مبارز قادر
میگردد شیوه های طبیعی کار مبارزه را پیدا نموده و در سخت ترین
شرایط بر حالات و رفتار خود تسلط پیدا نماید حتی در بعضی مواقع
با اکثریاتی حساب شده نسبت به هر نوع سوء ظن و ترجیحی رد گم
نماید.

واضحست موارد و شرایطی كه باید اصل عادی بودن را در آنها
رعایت نمود و نیز نحوه کیفیت آن به موارد گفته شده محدود نمیشود
لذا هر مبارز انقلابی باید بسته به شرایط خاص محیط و زندگی و وظیفه
انقلابی خود موارد و نحوه عمل صحیح را تشخیص دهد و مراعات
نماید.

۳- پوشش سازی و حمل تراشی : از آنجا كه امر مبارزه
و فعالیتهای انقلابی در سخت ترین شرایط پلیسی و با تمام خطرات
احتمالی تعطیل بردار نیست لذا برای اینکه در انجام وظایف
تشکیلاتی و اجرای کارها امنیت عمل و اصل عادی بودن را رعایت نموده
باشیم در بعضی مواقع و برای انجام پارامی عملیات باید در برخورد
با خانواده یا دوستان و همکاران و یا فریب دادن پلیس برای اعمال

خود پوشش یا حمل پیدا نمائیم. البته آنچه كه در اینجا اهمیت اساسی
دارد اینست كه این حمل یا پوشش باید متناسب با شخصیت و کاراکتر
اخلاقی و شرایط زندگی و حرفه ما باشد تا برای دیگران طبیعی و حقیقی
جنبه نماید و از هر نوع ابهام و سوء ظن جلوگیری كند. در غیر اینصورت يك
حمل حساب نشده غیر طبیعی در حكم عذر بدتر از گناه خواهد بود
و بیشتر به ابرو شدن كار و برنامه ما كك خواهد كرد. برای پیدا كردن
پوشش یا يك حمل طبیعی فرمول خاصی وجود ندارد و باید از عصبه
باید از قدرت ابتكار و فكر خلاق و تجارب انقلابی سود گرفت.

۴- اجتناب از برگشتی : برگشتی مخصوصا اگر
بصورت بیاداعات درآمده باشد خطرناکترین دشمن مخفی کاری است.
و از آنجا كه گذار يك فرد با افكار و اعتقادات ایدئولوژیکی و سیاسی اش
رابطه نزدیك و مستقیم دارد لذا يك مبارز تشکیلاتی چنانچه در محیط کار
یا تحصیل و یادرفت و آمدهای خانوادگی و دوستانه در هر موضوعی
اظهار نظر و برگشتی نماید هر چند هم كه مواظبت نماید بالاخره
اطرافیان را از افكار و ایدئالهای باطنی و شخصیت انقلابی خود آگاه
خواهد نمود. این عمل گذشته از خطرات احتمالی بعد ها باعث
دشواری و محدودیت وظایف تشکیلاتی و مبارزاتی وی خواهد گردید. بدین
منشی كه با برگشتی و بارك مبارزه خوردن بسیاری از امکانات مساعد را برای
مبارزه و بابت مخفی کاری از دست خواهد داد. مثلاً برای اینکه دیگران
نسبت به زندگی تشکیلاتی و اعمال او سوء ظن پیدا ندهند باید مجبور خواهد شد

گردید برای هر يك از كارها و وظائف خود ترجیه و محمل پیدا نماید .
 ممکن است این موضوع مطرح گردد که رعایت سکوت با کم گوئی
 در واقع مثل این خواهد بود که بدست خود مان به خفقان موجود
 و رکود فکری جامعه کمک نمائیم . باید گفت بالاترین کاری که میتواند
 خفقان موجود را در جهت آزادی و تکامل فکری و اخلاقی جامعه خسران
 و نابود نماید مبارزه مسلحانه و بهترین نحوه تبلیغ در شرایط فعلی ،
 تبلیغ مسلحانه و پذیرش شهادت انقلابی است و حالا که شما خود را برای
 پیوستن بدین نوع مبارزه آماده میسازید یا به نحوی بآن یاری میرسانید
 یا در آن شرکت دارید یا شناساندن و اتلاف نیروی خود به نیروهای
 پلیس کمک کرده باین مبارزه لطمه وارد میسازید .

در هر صورت رعایت این اصل پس از دستگیری در زندان
 اسارت و زندان نیز امری ضروری و حیاتی است در بازجویی ها هر چه
 از پرگوئی بیشتر اجتناب نمائیم و جوابهایمان منفی یا کوتاه باشد همه
 امنیت و سلامت برادران و رفقای مبارز و تشکیلات انقلابی کمک نمرد فایسم .
 بهین دلیل در زندان و تماس با سایر زندانیان باید از پرگوئی
 در مورد زندگی و نقش گذشته خود در تشکیلات یا مسائل عقیدتی که
 موجب تفرقه با سایر مبارزین زندانی گردد اجتناب نمود . و در
 باره نام و نقش در وستان و رفقای زندانی یا خارج از زندان و برنامه های
 تشکیلات و بطور کلی مسائل خاص گروه و افراد مطلقاً سکوت نمائیم .

* * *

۵- سرنگهداری (رازداری) : مهمترین شخصیت

يك مبارز تشکیلاتی خصلت سرنگهداری اوست . تکیه اطلاعات و یار وجود
 تشکیلات یا گروه زیرزمینی اش گرفته تا رفقای تشکیلاتی و نوع فعالیتها
 و هدفهای انقلابی گروه، همگی در حکم اسرار و رازهای هستند که او نه
 تنها در زندگی جاری بلکه در زیر سخت ترین شکنجه ها موظف به حفظ
 و نگه داری آنهاست و بعضی میدانند که فعالیت و حیات خود و رفقا و
 تشکیلات انقلابیشان در گرو نگهداری و پنهان کردن این اسرار است .
 این فرد مبارز مجاز نیست کوچکترین اطلاعی را درباره موجودیت یا
 فعالیتهای گروهش هر چند هم که بظاهر بی اهمیت باشد به نزدیکترین
 دوست مورد اطمینان یا حتی برادر خود در میان بگذارد چه بسا
 بر همین سوال دوست یا برادر مورد اعتماد بدست یا دوستان مورد
 اعتماد خود ش همین اسرار و اطلاعات را در میان گذاشته و در نتیجه
 بعد از مدت کوتاهی این اطلاعات در سطح وسیعی پخش و پراکنده ی
 از موجودیت یا فعالیتهای يك گروه مخفی آگاهی خواهند یافت .

خطر عدم ای که در این گونه موارد بوجود خواهد آمد اینست که
 در طی این مسیر نقل و انتقال و شیوع اطلاعات و اسرار تشکیلاتی، کافسی
 است به واسطه خطای يك دوست یکی از عوامل پلیس از آنها اطلاع
 پیدا نماید . گذشته از این ، از نظر اصولی در شرایط پلیسی حاکم که
 نیروهای امنیتی بدون حساب برای جلوگیری از رشد جنبش به یی گرد ها
 و دستگیریهای وسیع اقدام میکنند هر چه اطلاعات افراد از وجود گروهها
 مخفی و افراد و عملیات آنها کمتر باشد احتمال لورتن آن اطلاعات

و اسرار نیز کمتر خواهد بود. در داخل یک گروه باید فرد تشکیلاتی فقط بآن اندازه باید اطلاعات تشکیلاتی داد که برای انجام کار و وظیفه تشکیلاتی اش بآن، حناج است و از دادن هر نوع اطلاع اضافی دیگر باید اجتناب نمود.

در مواردی که یک فرد تشکیلاتی یکی از دوستان یا نزدیکان خود را مستعد مبارزه و کار انقلابی تشخیص میدهد قبل از اقدام فردی و مذاکره با وی باید قبلاً با مسئول تشکیلاتی خود خصوصیات مثبت و احیاناً نقاط ضعف و دستش را در میان گذاشته و در صورت موافقت تشکیلات در مورد نحوه تماس و روش کار با مسئول خود مشاوری و سپس اقدام نماید. بنابراین یک مبارز نباید بقصد عضوگیری و یا آماده کردن دوستان نزدیک، مقداری از اسرار تشکیلات را با آنها در میان بگذارد. گذشته از اعضا تشکیلات افراد غیر تشکیلاتی و نیروهای جانبی جنبش و بطور کلی همه طرفداران مبارزه آزاد بیخش، همانند افراد تشکیلاتی و سازمانهای مخفی، مسئول و موظف به حفظ اسرار و اطلاعات جنبش هستند. لذا اطلاعات و اسراری را که حساب شده یا حساب نشده در باره جنبش و گروههای مخفی بدست میآورند و یا با هوشیاری و استنباط شخصی و یا بحسب تصادف پیدا مینمایند باید از انتشار و شایع کردن آن خودداری نمایند برای نمونه در برخی موارد ممکن است شما بنا بموقعیت خاص خود از زندگی انقلابی دوستی در یک گروه مخفی اطلاعاتی پیدا یا استنباط نمائید در اینگونه موارد نباید با در میان گذاشتن آن حتی بدوستان و برادر مورد اعتماد خود، به افشا و شایع

کردن این اطلاعات کمک نمائید. بلکه با دلسوزی و احساس مسئولیت چنانچه خطای تشکیلاتی یا یک جنبه و حرکت غیرعادی در رفتار آن دوست مبارز مشاهده مینمائید باید در اسرع وقت و بطور مستقیم و یا غیر مستقیم با او گوشزد نموده یا پیغام بد دهید.

مسئله مهمتری که در طی سه سال اخیر بکرات پیش آمده است اینست که معمولاً رژیم بعد از دستگیری یک مبارز انقلابی، چون تحسنت شکجه های گوناگون به اسرار و اطلاعات تشکیلاتی وی نمیتواند دسترسی پیدا کند و لذا در کمال درماندگی و ناچیزانمردی با حضور و یا دستگیری نزدیکان و اطرافیان وی میبرد از وی برای این منظور بر حسب موقعیت یک یا چند نفر از افرادی نظیر پدر، برادر، دوست نزدیک، همکار، هم اطاق، همکلاس، همسایه، حتی رئیس یا صاحبخانه و یا سرایدار و آوری که به نحوی از انحاء در طی تماسها و برخوردهای روزانه ممکن است از زندگی انقلابی اش اطلاعاتی داشته باشند احضار یا دستگیر نموده و یا تهدید یا تطمیع از آنها اطلاعاتی جمع آوری کرده و استفاده مینماید. در اینگونه موارد تاکتیک های پلیس نسبت باین قبیل افسران متفاوت است اما اغلب با مقدار زیادی بلوغهای توخالی و رودستهای دروغین همراه است. از قبیل اینکه ما همه چیز را میدانیم... خودش همه چیز را گفته... حالا اگر این چیزهایی را که از تو میبردیم راستش را نگوئی روزگارت سیاه و اگر بگوئی خود ترا خلاص میکنی و... آیندات هم لطمهای وارد نخواهد آمد... ضمناً در این فواصل به چای یا قهوه و حتی به ناهار یا شام چلوکباب هم دعوتش میکنند و اگر

فرد با این محبت ها و احترام های ظاهری فریب نخورد و مقاومت نمود
کار به اطاق شکجه هم ممکن است برسد باین نحو که او را لخت میکنند
و بروی تخت خواب آهنی هم میخوابانند و شکجه گری با کابل برق هم چند
مانووری میدهند ولی اگر تا اینجا این دوست یا همکار انقلابی اسیر
همچنان مقاومت نمود و جان نخواست و چیزی را ننگشت نمایشنامه خاتمه
میباشد و دست آخر از او عذرخواهی نموده و از آنجا مرخص مینمایند *
البته این یکی از تاکتیک ها بود * بسته به فرد و مورد آن ممکن است از این
خفیف تر یا شدید تر عمل شود ولی عمدتاً با تاکتیکهای گوناگون باصطلاح
میخواهند با پشه سر ببرند و خیلی مفت وازان اطلاعات مهم و اساسی
بدست آورند *

در اینجا از ذکر این نکته نباید غافل بود که ماموران رژیم از این
تاکتیکها نمی که نسبت با طرفانیان یک مبارز انقلابی بکار میبرند علاوه بر
کسب اطلاعات، یک هدف مهم و اساسی دیگر را نیز تعقیب مینمایند که
باندازه هدف اول برایشان اهمیت دارد * آنها میخواهند با ایمن
شیوه ها و تهدید و نمایش و حتی بازداشت چند روزه کلیه کسانی را که
بنحوی تحت تاثیر افکار یا اخلاق و شخصیت و صمیمیت مبارزان اسیر بودند
و بعد از دستگیری و فقدان او در حکم نطفه های خطری هستند با ایجاد
عقب و وحشت در دلهایشان امکان رشد و فعالیت انقلابی آنها را علیه
رژیم عقیم سازند * ساواک میخواهد محیط اطراف یک انقلابی اسیر یا شهید
را از خطر عاری سازد ، او با توسل به اخطار و احضار و یا بازداشت طوری
عمل میکند که این افراد و نزدیکان تصور نمایند ساواک شبانه روز مواظب

آنهاست و قدرت هرگونه تکان خوردن را از آنها سلب کرده است در
حالی که رژیمی که هزارها مبارز را به بند کشیده و دهها انقلابی
را شهید نموده و هر یک از این مبارزین اسیر یا شهید صد ها دوست
و همکار وفادار دارند، نخواهد توانست باین کار مبادرت ورزد * رژیم
حتی نمیتواند مسئله زندانیان را با سرعت معمولی حل کند * زندانیان
اسیر بعلت کثرتشان ماهها برای بازجویی و تکمیل پرونده یا تشکیل
دادگاه باید در نوبت و بلا تکلیفی بمریزند *

بهر صورت جادارد که نه تنها خود به وظیفه حفظ اسرار عمل
نموده بلکه سایرین را نسبت باین وظیفه خطیر آگاه و هشیار سازیم *

۶ - دقت در مبادله یا توزیع کتاب، نشریه و اعلامیه :

در توزیع و مبادله هر نوع کتاب، اعلامیه و نشریه مخصوصاً اعلامیه ها و
نشریات سازمانهای چریکی، تمام افراد مبارز و طرفدار جنبش مسلحانه
بهمان اندازه باید احساس مسئولیت کنند که برای نگهداری و حفظ
چنان یک چریک و حیاتیات سازمان انقلابی و ادامه مبارزه، احساس مسئولیت
و وظیفه میکنند * لذا همان نکات و اصول اینی را که یک فرد تشکیلاتی در
این مورد رعایت مینماید دیگران هم باید رعایت نمایند *

ما برای روشن شدن مطلب ذیلانکاتی را در این مورد یادآور

میشویم :

الف - اعلامیه یا نشریه را باید تنها به کسانی داد که اصالت
و اهلیت آنها برای ما کاملاً شناخته شده و صد درصد مورد اعتماد

و محل اطمینان باشند *

ب- بکسانی نشریه یا اعلامیه های سیاسی را باید داد که در آنها زمینه مناسب اخلاقی و احساس مسئولیت طبقاتی ه دینی و سیاسی موجود باشد و عبارت ساده تر کسانی که به خیر و شر آنها امید می باشد *

ج- نشریه های داخلی و یا بحث های تعلیماتی گروه و نظایر آنرا نباید با افراد غیر تشکیلاتی و سایرین داد و چنانچه در مواردی ضرورت پیدا نماید باید با اطلاع قبلی مسئول و یا رابط تشکیلاتی اقدام نمود *

د- هر دانه توزیع و انتشار نشریات باید کنترل داشت باین معنی کسانی که نشریه داده میشود باید مسیر خود انتشار آنرا روشن و تاکید نمائیم و بر آن کنترل داشته باشیم: در مواردیکه نسرود مزبور میدی و یا دارای هوشتیاری و تجربه کافی نباشد باید از او بخواهیم که پس از مطالعه آنرا مسترد نماید و اگر دارای تجربه کافی و ششم تشکیلاتی باشد از او بخواهیم که بر مسیر مبادله و دانه انتشار آن وقت و کنترل لازم را بعمل آورد. تجربیات گذشته نشان داده که عدم کنترل بر توزیع یک نوشته یا اعلامیه موجب گردیده است که مسیر مبادله بیک عنصر مشکوک و یا مزدور خائنه یا بد و لیبریا تحقیق این مسیر و دستگیری زنجیر و افراد از محل اختفاء و یا قرار یک چریک اطلاع پیدا نماید و باین طریق ضربهای بر قسمتی از سازمان وارد سازد * پسرای نمونه یکی از گروههای مبارزه مشکل از قریب ده نفر تکمیل شدند و

کلیک خلبان هواپیمای فانتوم که در زندان بگریه فاشتم معروف گردید مانند از طریق مبادله یک کتاب غیر مجاز توسط برادر یکی از آنان کسسه در دانشگاه تهران تحصیل میکرد و بیک فرد مشکوک لورفت * باین ترتیب که با دستگیری و شکجه دانشجوی مزبور به برادر وی (تکمین تعمیراتی هواپیمای فانتوم) و از این شخص بوجود سایر اعضا گروه پی بردند *

بنابراین باید توجه داشت که همانطوریکه در مبادله و توزیع بعضی از نشریات و اعلامیه ها دارای وظیفه و مسئولیت میباشید * در حفاظت و سلامت آنها نیز مسئولیت سنگینی بر عهده دارند *

ه- در صورت لزوم رفتن یک نشریه یا اعلامیه باید بعمل یسای توجیه مناسب را برای قریب و ریدگم کردن پلیس پیدا نمود و بر روی این توجیه همراه ایستادگی و پایداری نمود *

تحت هر نوع شرایط آزار و فشار نباید از ضمیمه و شخصی کسسه آن اعلامیه یا نشریه را بشما داده است نام ببرید بلکه باید بر همان محل و توجیه اولیه ایستادگی نمود که مثلاً آنرا بتوسط پست فرستاده اند یا شبانه در منزل من انداخته اند و از این قبیل توجیهات که بنا بسپرد و شرایط و بابتکار شخصی باید مناسب ترین آنرا پیدا نمود *

و- بکم نیروی تفکر و قوه ابتکار باید شیوه های نویسی برای رساندن این گونه نشریات و اعلامیه ها بدوستان و آشنایان مستعد و علاقمند کشف و ابداع نمود * این شیوه های توزیع باید بگونه ای باشند که ضمن اینکه احتمال خطر زیاد برای گیرنده ندارند امکان شناختن فرستنده نیز به کمترین میزان ممکن باشد *

۷- سبکبازی :

در این اواخر به کترلمهای شانس و احتمالی، متوسل شده اند و در آینده نیز با رشد مبارزه برداشته و شدت این کنترل ها خواهند افزود. لذا یکی از اقداماتی که در جهت مقابله با این تاکتیک و باین آوردن میزان شانس و درجه احتمال لو رفتن باید بکار برد، رعایت سبکبازی است.

سبکبازی بدین معنی است که جز در مواقع احتیاج ریا نمودن امکانات مناسب تر، از حمل ویا نگهداری مدارك ولوازی که دلالت بر شرکت یک فرد در مبارزه است باید خود داری نمود. به عبارت دیگر نشریات و یا لوازم مبارزه را فقط هنگامی باید به همراه داشت که به سرای رد و بدل و یا جا به جاکردن آن ضروری است.

برای روشن شدن مطلب، ذیلا بذکر مواردی چند اکتفا میکنیم:

الف - بعضی از افراد مبتدی بحالت عدم آشنائی بمسائل ایمنی مبارزه ممکن است يك نشریه یا اعلامیه را برای مدت چندین روز در داخل جیب یا خورجین موتور یا داش بورد ماشین نگهداری و یا خود بایستن طرف و اندارف بپزند، خافل از آنکه در رفت و آمد های روزمره هر روز این احتمال وجود دارد که بهرم جوان بودن و یا ظاهر ساده داشتن و یا مطابق برنامه کنترل های موضعی و تصادفی پلیس، خود یا موتور یا اتومبیل آنها متوقف و مورد تفتیش قرار گیرند. همچنین دیده شده که باز بحالت عدم آشنائی بشرايط پلیس، بعضی از افراد مبتدی در مبارزه اعلامیه یا نشریه یا کتاب را برای مدت طولانی در منزل یا محل کسار

نگهداری مینمایند. این عمل مخصوصا برای افراد شناخته شده های که احتمال سرکشی پلیسی به منزل یا محل کار آنها وجود دارد غیر منطقی است و اصولا هرگونه نشریه ای که در این موارد بدست هر فرد علاقمند به مبارزه میرسد باید با اولیحتی که برای مبارزه نسبت بسایر مسائل زندگی قائل هستیم در اولین فرصت و در اسرع وقت شخصا مطالعه و بمکان دیگر مسترد نمود و از آنها بخواهیم با رعایت مسائل ایمنی و شرایط و قیود توزیع و در مطالعه و انتقال آن سرعت عمل لازم را رعایت نمایند.

برای مطالعه کتب و نشریات سیاسی یا نظامی یا عقیدتی که طولانی و مفصل باشند برای رعایت اصل سبکبازی و سرعت عمل باید از اوقات خواب و استراحت برای تسریع در مطالعه استفاده نمود تا در صورت صلاح بودن، هم رفقای بیشتری از آن استفاده نمایند و هم مسائل ایمنی مبارزه رعایت شود.

ب - در مورد سایر مسائل مبارزه، این اصل نیز صادق است و بطور کلی باید حداقل وسائل و مدارك مورد نیاز را نگهداری نمائیم تا در مواقع خطر بتوانیم بمسرت در نقل و انتقال آنها بحمل دیگر یا سوزاندن یا مخفی کردن آنها اقدام نمائیم و رژیم را از اطلاعات و وسائل مربوطه محرم و قسمتی از تشکیلات را از نابودی نجات دهیم.

ج - بعضی مواقع بحالت نبودن جا و مکان کافی بسیاری از مدارك ولوازم مبارزه در يك محل بیش از میزان احتیاج متمرکز میگردد. در چنین مواقعی علاوه بر مسائل ایمنی، مشکل دیگر اینست که در صورت لو رفتن آن محل، بیکباره مدارك و وسائل زیادی يك جا به چنگ پلیس خواهد افتاد و ضرر

بزرگی بیان گروه یا تشکیلات مخفی وارد می‌آید لذا باید برای حمایت اصل سبکباری بخلق و ایجاد امکانات جدید اقدام نموده و با اصطلاح معروف از گذاشتن همه تخم مرغها در يك سبد اجتناب نمائیم *

د - مسئله دیگر اینکه نحوه ارتباطات را طوری باید ترتیب داد که حد اکثر سبکباری را تامین نماید * لذا قرارداهائی که برای رد و بدل کردن نشریات و مدارك و لوازم مبارزه است از قرارداهای بحث و مذاکراتی که در محیط کوچه و خیابان و برای زمان طولانی صورت میگیرد باید جدا شود * حضور در محل قرار باید در راه مسعود صورت گرفته و مسازمها دلسته نشریات و لوازم در اولین فرصت ممکن از یکدیگر جدا شد * برای نقل و انتقال مدارك و لوازم مهم با شناسائی قبلی منطقه بجای مسیرهای اصلی باید از کوچه و خیابانهای فرعی استفاده کرد و امنیت مسیر را از لحاظ وجود مراکز و موسسات حساس و تحت مراقبت پلیس و تپلاکترل و شناسائی نمود *

ه - سبکباری نه تنها يك اصل ایمنی و حفاظتی است بلکه يك اصل مهم تشکیلاتی نیز هست * سبکباری از تعهدات سنگین زندگی و روابط گنگه گشاد و حساب نشده خانوادگی و دوستانه، اینها بهمان اندازه که از لحاظ ایمنی و حفاظتی فرد و ساز و انش را آسیب پذیر میسازند، از لحاظ تشکیلاتی نیز فرد را دچار لغزش و سستی ساخته بهره و نتیجه کار او را در اسم مبارزه ملی تا چیز میسازند *

* * * *

۸ - جاسازی :

سبکباری پهل آمد و در بسیاری مواقع برای ادامه کار شبانه روزی مبارزه و پیشبرد آن ، ناچار به حمل و یا نگهداری مدارك و لوازم مبارزه خواهید شد لذا برای اینکه در يك چنین موارد و حالات در صورت مواجهه با پلیس و تفتیش های بدنی یا محلی او بتوانید مدارك یا لوازم مزبور را از دید و توجه او خارج سازید باید قبلا محل های مناسبی برای اختفای آن مدارك پیدا نمائید * این عمل یعنی پیدا کردن یک ساختمان يك جایا محل مناسب برای مخفی ساختن مدارك و لوازم مبارزه را اصطلاحا جاسازی میگویند *

جاسازی بسته یا ششی مورد نظر و همچنین محل اختفا، اشکال متعدد و متغی پیدا مینماید * بطوریکه از مخفی کردن يك اعلامیه چریکی در لباس شروع شده و به جاسازی گوناگون برای نقل و انتقال و یا نگهداری اسلحه و مهمات در منزل مسکونی و یا پناهگاهها، زیرزمینی برای مخفی ساختن برخی افراد توسعه پیدا میکند * کلیه این اشکال متنوع و متعدد جاسازی با استمداد از قوه ابتکار بر اساس شرایط و امکانات موجود و تاکتیک های دشمن، معین و مشخص میگردد * مطلب مهم اینست که با رشد مبارزه و افزایش کترلها و بازرسی های بدنی و هجومهای تجسسی دشمن با افراد و منازل مشکوک، اهمیت و ضرورت جاسازی برای حفظ اسرار و لوازم و نیروی انسانی جنبش بهتر احساس خواهد شد *

برای نمونه در جریان جنبش آزاد بیکش الجزایر که پلیس

استعمازی فرمانده برای تعقیب و دستگیری مجاهدین یا بقول خودشان وزیم شاه، یانیه‌ها و خرابکاران، خانه‌ها و مناطق مسکونی را محاصره و خانه بنانه مورد هجوم و نقشه قرار میدادند و به بیماری از منازل حتی مخفیگاههای زیرزمینی برای پنهان کردن مجاهدین، که پلیس به شدت در تعقیب آنها بود، تعبیه و جاسازی کرده بودند و یاد یسختن ریس شرایط پلیسی و محاصره شهرها با استفاده از جاسازی هائی کد رشکم ماهیها تعبیه میکردند برای وارد کردن اسلحه و مهمات از طریق بنادر به داخل شهرها استفاده نمیدادند. در مبارزه حماسه آفرین خلق ویتام این امر تا آنجا رشد میکند که بسیاری از مخفی گاهها و کارگاهها و تأسیسات نظامی حتی بیمارستانها را در تنه‌های زیرزمینی ساختهماند. در همین کشور خودمان صرف نظر از ابتکارات جالبی که در ظرف این سه سال از جانب گروههای چریکی پیشتر در اینگونه مسائل ابداع شده است، در جنبش فدائولتی ده سال پیش عشایر فارس و زنان و افراد عشایر با جاسازی کردن نامه‌ها و پیام‌های نظامی در لباس یا حتی تخت کتیبه خود موفق گردیدند ارتباطات بین مناطق و سران جنبش را برقرار سازند. تمام موارد فوق گویای این حقیقت است که در کلیه امور مبارزه و خصوصا در این مورد، باید از ذخایر عظیم استعداد و ابتکارهای انسانی بهره‌برداری نمود.

استفاده از این ناسیک‌های ضد پلیسی علاوه بر آنکه در بسیاری از موارد موجب اغفال پلیس و سلامت افراد مبارز میگردد، نتیجه مهم دیگرش این است که بفرض اگر در یک مورد از صد مورد پلیس

جاسازی در لباس یا وسائل و منزل یا اتومبیل پی ببرد بعد از این و در بازرسها و پیگردهای خود بهمه افراد و ماشینها و تمام در و دیوار یک منزل مشکوک خواهد شد. اما مگر برای پلیس مقدور خواهد بود که مثلا تمام ماشینهای شخصی یا مسافری واری را دقیقاً کنترل نماید و تازه اگر روزی باین کار مجبور گردد خود بهترین اقدام تبلیغی برای نشان دادن قدرت و ادامه مبارزه علیه رژیم در افکار مردم است و پلیس جز آزاردن مردم و افزایش خشم و کینه آنها نسبت به خود و خسته و فرسوده کردن نیروهایش چیزی عایدش نخواهد گردید. به علاوه ایمن خود یک مرحله تکاملی جنبش بود و هیچ مبارزهای بدون عبور از این مراحل سخت و دشوار به پیروزی نخواهد رسید.

عواملی که در امر جاسازی به نفع مبارزین عمل میکنند :

۱. کودنی مامورین ۲ - بی ایمانی آنها به عمل و وظیفه شان
- ۳ - ناراحتی و بد بختی های شخصی که زائیده اوضاع فاسد کنونی است
- ۴ - ترس و وحشت آنان از مبارزین و خطر جانی که در برخورد ها احساس مینمایند آنانرا از دخالت عمیق و مشکافی و مواجهمه با مبارزین بر حذر میدارد.

۹ - رد و اثر بجا نگذاشتن : منظور اینست که در

کلیه اقدامات و تعالیهای مبارزاتی، همواره باید باین فکر بود و طوری عمل نمود که در صورت دستگیری یا تعقیب پلیس اثری از اعمال و ارتباطات خود با دیگران یا محل اختفای خود و سایرین بجا نگذاشت

و با يك كردن كليۀ ردها، پليمر را گچ و سرد رگم ساخت. بران رعايت
اين مطلب بذكر نكات ذيل ميپردازيم تا نكات و ملاحظات مشابه روشن
گردد :

الف - از نگه داري عكسهاي دوستان خود خصوصا دوستان همفكر مبارز
خواه بطور تكي و يا به صورت عكسهاي دسته جمعي اجتناب نماييد .
ب - از داشتن و نگه داري دفترچه تلفن و يادداشت كردن شماره تلفن
يا آدرس دوستان و نزديكان و قرار ملاقات جدا خود داري نماييد و بخطر
داشته باشيد كه نگه داري عكس و ثبت تلفن و آدرس ديگران در صورت
دستگيري شما و يا دسترسى مامورين رژيم به آنها مثل اينستكه كليۀ
منابع خبري و اطلاعاتي پليمر را از قبل بدست خود تهيه كرده باشيد .
چنانچه پليمر در صورت تعقيب و دستگيري شما باشد با دست يابي آنها
به پيچيدگي ها و ارزي از شما با دوستان نزديك و در حكم اينستكه كليۀ راهها
و پلها را براي دشمن باز و سالم گذارده شده تا بدوحت شماران همسال
و دستگير سازد .

يكي از چيزهاي قهرمان شهيد طي تجاوز از چهار سال
زندگي مخفي و تعقيب شبانه روزي پليمر و هجوسهاي مكرر به نزد بستان
و همگان نش نتوانستند كوچكترين رد پايي از زندگي و فعاليتهاي
گذشتۀش بدست آورند و جالب توجه اينكه تنها عكسي كه پليمر از وي در
اختيار داشت مربوط به ۸ سال پيش از آن تاريخ و هنگام خدمت ودي ريكي
از سازمانهاي نظامي بود و همچگونه عكس جدي از وي نداشتند و هميشه
همان يك عكس در روزنامه ها و اعلانات ساواك بچاپ ميرسيد .

ج - از نگه داري نامه هاي دوستان و نزديكان خود داري نماييد .
د - بر روي كتابها نتي كه مطالعه ميكنيد حتي الامكان از هر تسريع
حاشيه نهمي يا خط كشيدن در زير مطالب مهم و مورد نظر تان اجتناب
نماييد چون اين عمل به ترين نشانه علاقمندي و دقت شما در مطالعه
و امر مبارزه است و علاوه بر اين وسيله مناسبی براي معرفي نقطه نظر ها
و عقايد سياسي و عقيدتي شما به ديگران و پليمر خواهد بود . در موارد
شايهي كه پليمر در ظرف اين چند سال بدان برخورد نموده است
ترجۀ خاصی باین گونه خط كشيدنها و حاشيه نويسيها نشان داده است .
ه - در نگه داري و محافظت يادداشت ها نوشته هاي خطي دقت
و مواظبت بهتري بعمل آوريد .

و - كوشش نماييد لعضاء خانواده از اسامي دوستان همفكر و تشكيلاي
و حتي ساير دوستان مستعد و بدرد بخور خصوصا از موضوعات ارتباطات
تشكيلاي آنها با شما آگاهي پيدا ننماييد . همچنين از نوع فعاليتها
و كم و كيف كمك هاي شما به جنبش اطلاع و تصوري نداشته باشند .

ز - مراقبت نماييد دوستان همفكر و مبارز يا علاقمند و بدرد بخور از طريق
و بواسطه شما از همدگر شناسائي پيدا ننمايند مگر در موارد يكيه براي
پيشبرد امر مبارزه و نياز جنبش اين آشنائي ضرورت پيدا نمايد كه در
آنصورت با اسم مستعار يا حداقل با اسم كوچك ، اين آشنائي و ارتباط
ضرورت خواهد گرفت ، تجربيات اخير نشان ميدهد كه بسياري از زيروهاي
علاقمند و مستعد مبارزه در اثر عدم آشنائي يا رعايت اين نكته يا كم
بپادادن به آن شناخته و دستگير شده اند .

ج - از ترسیم یا نوشتن جدول یا نمودار تشکیلاتی یا اسامی افراد گروه و لو اینکه با اسم مستعار صورت گیرد، باید خود داری کرد. در شرایط فعلی نباید هیچکس از تعداد کلی افراد یک سازمان مخفی اطلاع پیدا نماید، چه رسد به پلیس.

ط - بعد از شرکت در یک برنامه یا عملیات، علائم و یا وسائل مشخصه، بکار رفته را از بین برده یا از خود دور سازد.

۱۰ - استفاده از حافظه : برای اینکه بتوانیم

از نوشته ها و مدارک ارتباطاتی و تشکیلاتی اثری بجا نگذاریم باید از توه حافظه حد اکثر استفاده را بعمل آوریم. باید عسادت کنیم که آدرس ها و شماره تلفن ها و زمان و محل قرارها و برنامه کارهای روزانه یا هفتگی را بجای یادداشت کردن بخاطر بمانیم.

برای کمک به حافظه و یادآوری مطالب میتوان از کلیدهای کمکی استفاده نمود برای مثال در مورد شماره تلفن، این کلیدهای کمکی از رابطه خاصی که ما بین ارقام یک شماره تلفن وجود دارد ساخته میشوند (مثلا شماره تلفن ۷۸۶۱۲۳ را بدو طریق میتوان بهتر بخاطر سپرد اول اینکه سه شماره اول بترتیب صعودی یک شمارافزایش میدهد و سه شماره بعد باز بهین ترتیب تصاعدی یک شماره افزایش میدهد. دوم اینکه مجموع اعداد آن از اول و آخر (۱ میباشد) همچنین میتوان از حروف اول اسم کوچک دوست و نام خیابان و کوچه و شماره پلاک آن به عنوان کلماتی ساخت و این کلمه در حکم کلیدی است که ما را در

یادآوری آدرس دقیق دوستان یاری خواهد نمود.

بعادت کردن باین روش و تمرین و ورزیدگی حافظه میتوان بحث های تعلیماتی و تشکیلاتی را از طریق بخاطر سپردن روش و ترتیب مطالب مهم تماما حفظ نمود. و از نقل و انتقال زیاد نوشته ها و مطالب تعلیماتی و تشکیلاتی اجتناب نمائیم. استفاده از حافظه برای ثبت و نگهداری اسرار و روابط تشکیلاتی و مطالب تعلیماتی علاوه بر تاثیر عمده ای که برای امنیت و سلامت تشکیلات و ادامه مبارزه دارد خود بمنزله بکارانداختن کلیه استعداد های ذاتی انسان در طریق حق و تکامل است و علاوه بر این نشان دهنده ارتباط مستقیم و ناگسستگی مبارزه و تکامل است و باز بیان کننده این حقیقت است که هر چه رژیم های دست نشانده امکانات و شرایط را دشوارتر نمایند پایه های مبارزه عمیق تر و ریشه دارتر خواهد شد و هر ضربه و تاکتیک آنها بمنزله واکسنی است که جنبش را در برابر ضربات و هجوم های بعدی قوی تر و مقاوم تر خواهد نمود.

۱۱ - دقت در مکاتبات پستی و مکالمات تلفنی :

در این اواخر رژیم پلیسی با وحشی که از گسترش مبارزات مسلحانه پیدا نموده و خصوصا از هنگامیکه ارتباطات پستی بعنوان وسیله ای برای ارسال و نشر اعلامیه های چریکی در خدمت انقلاب مورد استفاده قرار گرفته است، مزدوران امنیتی گاه و بیگاه به کنترل نامه ها و مکاتبات پستی پرداخته و چنانچه مطالب سیاسی یا عقیدتی و یا مطالب مبهم

و رموزی در آن باشد به تعقیب و احیاناً دستگیری و بازجویی طرفین
مکاتبه میبرد ازند. علاوه بر این نگاه و بیگاه و یا برای مدت کوتاهی
مکاتبات پستی و ارتباطات تلفنی مبارزین شناخته شده و یا انفرادی
که ساواک بطریق از آنها گزارش در جهت مبارزه دریافت مینماید
مورد کنترل قرار میگیرد و در رابطه با این اقدامات و کنترلها تا کسوف
عده معدودی از مبارزین بواسطه عدم ضایع اصول امنیتی در مکاتبات
پستی مورد سوءظن قرار گرفته و در نتیجه دستگیر شده اند که از جمله
دو نفر از چریکهای شهید یک گروه انقلابی یک بار از طریق همین
کنترل نامه هامورد سوءظن قرار گرفته و دستگیر میگردند اما بعلمست
زیرکی و هوشیاری انقلابی خود و کد نهانی ماموران رژیم فعالیتهای
انقلابی آنها ناشناخته مانده و پس از چند ماه از زندان آزاد و مبارزات
مسلحانه خود را دنبال و در این راه به مقام شهادت نائل میگردند.

لذا در این مورد به نکات و موارد ساده ذیل باید توجه
داشت:

الف - از مکاتبات پستی برای برقراری ارتباط با افراد هم فکر اجتناب
نمائید و در موارد ضروری با استفاده از یک آدرس دیگر از مکاتبه
مستقیم خود داری نمائید و در طی نامه از نوشتن مطالبی که استباط
سیاسی وایدئولوژیکی یا تشکیلاتی ایجاد نماید و یا به صورت رمز
و دیکو و بهیم باشد پرهیز نمائید.

ب - مکاتبات با دوستش ضرر صحبت از یک دوست و آشنای
مشترک مینماید. مواظب غلظتی باش خرابکار است البته منظور وی

از نسبت خرابکار یا منظور و مفهومی که سیستم تبلیغاتی رژیم از کلمه
خرابکار تعقیب مینماید متفاوت بوده اما این نامه که بر حسب انشاق
کنترل و مطالعه شده و ساماندهی از این جمله استباط چریک مینماید
و بدنبال آن به دستگیری آن فرد از طرف ساواک منجر میگردد که پس
از اجرای نمایشات شکنجه چون چیزی نبوده آزادش میسازند.

ب - از مکاتبه با افراد شناخته شده و مبارزین با سابقه یا افرادی که
به تازگی از زندان آزاد شده باشند و بطور کلی از افرادی که احتمال
تحت نظر بودن آنها می رود اکیدا خودداری نمائید.

ج - در مکاتبات تلفنی نیز از ذکر مسائل و ارتباطات تشکیلاتی بطور
صریح یا بشکل دوپهل و رمزی خودداری نمائید و در صورت ضرورت
باید طبق قرارهای قبلی پیام تشکیلاتی را در لفافه و پوشش مسائل روزمره
زندگی و خیلی عادی و طبیعی بیان نمود. از ذکر نامیل (اصلی) در تلفن
حتی الامکان خودداری نمائید و بجای آن از اسم کوچک استفاده کنید
و در صورت آشنائیهای قبلی از نظر صدا بذکر هیچکدام از آنها احتیاجی
نخواهد بود.

د - حتی الامکان از تلفن های خصوصی ستاره ها و بتگاههای ناشناخته
(خصوصا اگر بصورت باطوق عدهای باشد) برای پینام و قرار و مدارهای
تشکیلاتی استفاده نکنید در اینگونه موارد با در نظر گرفتن مطالب فوق
از تلفنهای عمومی یا از محل های مطمئن استفاده نمائید. اصولا سعی
نمائید قرار تماسها و ارتباط های بعدی را بطور حضوری تعیین نمائید
تا بعدا احتیاجی به تلفن و نامه نگاری نباشد. مناسب تر اینست که در

مواردی که تعیین قرار بعدی بطور حضوری مشکل باشد محل اصلی
قرار را حضورا تعیین و اختلاف زمانی بین قرار تلفنی و زمان اصلی را از
نظر روز یا ساعت و زود تر یا عقب تر بودن آنها نیز قبلا تعیین نمایند تا
اگر پلیس از این قرار تلفنی آگاهی پیدا نماید از محل و ساعت اصلی
قراری اطلاع یابد *

بطور کلی از وسائل ارتباطی ششم نظیر پست و تلگراف و تلفن
مخصوصا از تلفنهای سراسری بعنوان يك وسیله ارتباطی مناسب و سریع
بالاخص در مواقع ضروری و ضروری باید حد اکثر استفاده را بعمل آورد
مستقیما با قرار و مدارهای قبلی و تبدیل مسائل مبارزه به مسائل جسمانی
زندگی مادی میتوان از سوءظن ها و خطرات احتمالی آن جلوگیری نمود *

۱۲ - شرایط اعتصاب و سلب اعتصاب :

برای سلامت و بقا جنبش رعایت اصل فوق ضرورتی حیاتی دارد . هیچ
خطائی باندازه کوتاهی در این امر موجودیت و تلاشهای يك فرد و یا
يك سازمان را در معرض خطر قرار نمیدهد . بهمین دلیل است كه
تلاش کلیه سازمانهای جاسوسی جهانی و سازمان امنیت ساخته انسان
از مدت ها قبل متوجه این مسئله مهم بوده و هست و بسیار طبیعی است
كه توجه كنیم كه با شروع و گسترش مبارزات مسلحانه ، تلاش ششم
دست نشاند در این مورد چندین برابر شده است . با تجربیاتی كه
از لورتن گروهها و سازمانهای مخفی سیاسی - نظامی ایران در طوسی
سالها اخیر در دست است ، روشهای سازمانهای جاسوسی و امنیتی

را برای رخنه در سازمانها و یا ائتلاف نیروها و امید های توده مردم به
سه شیوه تقسیم بندی مینمائیم البته این شیوه ها عملا بخندان از سبب
جدا نیست و غالبا ترین از این شیوه ها مورد استفاده ششم قرار میگیرد .
الف - شیوه رخنه از دشمن : این شیوه یکی از قدیمیترین
و معمولی ترین در رخنه نفوذ در گروهها و سازمانهای سیاسی و انقلابی
است . در این شیوه سازمانهای جاسوسی امپریالیستی سازمان دست
پرورده آنها "ساوان" عوامل زیرک و تربیت شده خود را در نقش یک
مبارز فعال و حتی افرادی و در بعضی موارد صاحب شوری و تسلط
کامل به ایدئولوژی معین در محافل و مجامع روشنفکری و مذهبی باز می
و گرایش های مبارزه به صورت شکارهای مناسبی در سلاح مختلف و
قشرهای متعدد اجتماع رها میسازند تا بهر زمان و یا بهای جواد و
وقایع به توری یکی از افراد ساده یا اغشاء بی ملاحظه يك گروه و سازمان
سیاسی و انقلابی برخورد نموده و خود را در آن وارد سازند . از همین
روشنه كوچك كافی است تا بسته به زیرکی و قائلاتی خود و كم تجربگی و
بی حساب و کتابی گروه شناسائی زیاد تری از تشکیلات و افراد دسترس
پیدا نمایند . بر اساس این شناسائی و اطلاعات رژیم قادر خواهد بود
تشکیلات مزبور را بدور ناگهانی مورد حمله قرار داده و آنها را فلج یا نابود
سازد . موفقیت این شیوه بستگی به میزان تجربه مبارزین و درجه رشد
و تکامل مبارزه دارد باین معنی كه با افزایش میزان تجربه و رشد فکری
و روشیاری انقلابیون امکان مرفقیات این شیوه کاهش مییابد . باین
دلیل موفقیت این شیوه در سالهای اخیر تنها از طریق انتخاب دقیق

افرادى صورت گرفته كه خود از نظريه كاري (سياسى - پليسى) هم تراز مبرزين با تجربه بوده اند ضما از مارك و نشان مبارز زندان برخوردار بوده اند (نظير دلفانى) البته اين قبيل عوامل بسيار انگشت شمار و نادر هستند. يكسوى ديگر از دلائل موفقيت اين شيوه اين بوده كه رژيم مامورين خود را از همان روزنماي وارد كرده كه انقلابيون در سالهاى اخير براى يافتن سلاح باز گذاشته بودند و چهره افسران ساواك طوري انتخاب شده بود كه بخوبي قادر بايضاى نقش سياسى و تخصص حرفه اى در تامين و نجاى سلاح باشند از گروه هاى يكسوى اين تامين كنندگان سلاح برخوردار نموده و از اين طريق لورفتند گروه جزئى سازمان مجاهدين خلق بودند.

ب- شيوه نديون مستقيم - در اين شيوه كه ساواك بدان توجه و دلچسپى زيادى دارد از طريق خريدن مبارزين اسير و گرفتن تعهد همكارى از آنها صورت ميگيرد و لذا بعضا اينكه در يك مبارز اسير ترزل يا نقطه ضعفى مشاهده كند از اين نقطه ضعف وارد شده و براى فریب او و گرفتن قول همكارى به حربه تهديد و تطميع متوسل ميشوند. دليل اينكه رژيم براى اين شيوه تكيه زيادى دارد بيشتر از دو جنبه است: اول اينكه چون اينگونه افراد داراي سابقه مبارزه و زندان و آناهمى سياسى و تشكيلاتى هستند به سهولت خواهند توانست اعتماد ساير افراد مبارز را جلب نموده و در يك تشكيلات رخنه نمايند، البته شانس موفقيت اين شيوه چندان زياد نيست و از ميان صدها مبارز اسير طي چند سال اخير تنها تعداد انگشت شماری اين ننگ را پنديرفته اند.

تازه و شناختن اين افراد معدود خود فروخته اگر هم از طرف رژيم مخفى نگه داشته شود چندان مشكل نيست و با اندكى دقت در وضعيت و شرايط و عاقبت كار اينگونه افراد ضعيف به سهولت ميتوان به خود فروختگى آنها پي برد و با معرفى آنها بد يگران و خدشات احتمالى آنها را پيش از وقت خنثى نمود.

امتياز دوم اين شيوه اينست كه خريدن يك مبارز تشكيلاتى علاوه بر ضربه روانى كه بر ساير اعضا گروه و توده مردم دارد، آن فرد خود فروخته به علت آگاهى سياسى و ايدئولوژيكي و از همه مهمتر آگاهى و تجربه تشكيلاتى بشخصه بصورت يك عنصر فعال و متفكر ساواك در خواهد آمد. نظير پرويز نيكيخواه كه بعد از لودادن گروههاى انقلابى ديگرو صاحب هائى تلويزيونى و خدمات قلمى ب رژيم، بعدها در رد يصف باز جوان كيف ساواك در تكميل پروژه اعضا، يكي از گروههاى انقلابى شركت نمود.

ج - شيوه تشكيلى گروههاى ساواكسى - در اين شيوه، ساواك بجاي اينكه انتظار تشكيلى و پيدايش گروهها و كوشش پسرارى رخنه و كشف آنها باشد خود بكمك عوامل ورزیده و تربيت شده اى به تشكيلى گروههاى سياسى و انقلابى نما اقدام مينمايد تا بدین وسيله امكانات بالقوه مبارزه و نيروهاى مواد را انقلاب را جذب و سازماندهاى انقلابى اصيل را از پيوستن و يارى آنان محرم سازد ضما چون در هسته مركزي هيئت و مؤسسان اين گروه يك يا چند نفر از عناصر و عوامل ساواك وجود دارد كه با آن در رابطه مستقيم هستند، از طريق افراد كادرهاى

پائین آن به جمع آوری اطلاعات و گزارش در مورد سایر افراد مستعمله و زمینه وجو مبارزه در مردم میرد ازند. این گروه چون در جنگ ساواک است، از آن خطری احساس نمیکند و تنها در لحظاتی اقدام به دستگیری افراد اصیل و صادق آن مینماید که گند رهبری و ته و تئوی قضیه در خطر آفتابی شدن و در معرض احساس و آگاهی عمومی اعضا قرار گیرد در این هنگام با یک هجوم همه افراد دستگیر و جز فرد یا کادر ساواکی بقیه به حبسهای طویل المدت محکوم میگردند. برای نمونه این جریان در سالهای اخیر میتوان گروه ساکا و گروه احمد رضا کریمی را نام برد. جالب اینجاست که برای اینکه ساواک دستش روشن شود در بین اعضا و سایر زندانیان مسئله را بعنوان رخنه بعدی عوامل ساواک یا ضعف افرادی چون احمد رضا کریمی در مقابل شکجه ها توجیه و اعلام مینماید و هیچگاه سخنی از ماهیت ساواکی فرد و یا یکی از افراد مؤسسه آنها بمیان نمیآید.

بهر صورت راه مقابله با این دامهای پلیسی و تشخیص عوامل ساواک در درجه اول آگاهی از حوادث و تجارب گذشته است و از آنجا که این تجارب بیهای صدها اسیر و دهها شهید تمام شده است لذا باید در کلیه تماسها و برخوردهای جدید و عضوگیریها در مد نظر باشند و علاوه بر این برای دوستان مبارز و اعضا کم تجربه گروه یک سازمان انقلابی کاملاً تشریح و تفهیم گردند. بجرت میتوان گفت آگاهی و آشنائی افراد مبارز به تاکتیکهای پلیسی رژیم خود ۵۰٪ کار است و ۵۰٪ دیگر در یراتیک اجتماعی و ضمن عمل باید با همیاری و مراقبت

اکنون بذكر اصول و نکاتی چند که در بسیاری موارد میتواند مبنائی جهت شناسائی و ارزیابی افراد قرار گیرد میرد انجم.

الف - اجتناب از شتابزدگی و توجه به عوامل زمان - شناسائی کامل يك فرد با تمام جنبه های مثبت و منفی و خصوصیات جالب و نقاط ضعف وی يك پروسه طولانی و محتاج بزمان است. بهما گذشت زمان و پیدایش شرایط گوناگون است که جنبه های تاریک و مبهم شخصیت يك فرد آشکار میگردد. این شرایط گوناگون و متضاد، انهم از سختی و رذاه، بیکاری و ریاست، فقر و بی نیازی، استقبال خطر و راحت طلبی و... که با مرور زمان و تفرع بسیاری از آنها حتی است فرصت مناسبی برای شناسائی و سنجش رفتار و شخصیت فرد فراهم خواهد ساخت. اصولاً يك فرد ناصالح هر چند هم که زیرک و ماهر باشد اما برای مدت طولانی نمیتواند نقش بازی کند و بالاخره در يك جا و در يك عمل دستش رو خواهد شد. بنابراین در مورد شناسائی افراد نباید در چارشتا بزدگی گردید و بر اساس شرایط محدود و بیاك جنبه شخصیت فرد قضاوت نمود.

ب - ایجاد شرایط خاص - در مواردی که برای شناسائی و ارزیابی يك فرد وقت زیادی نیست و نمیتوان بانتظار مرور زمان نشست باید در طی تماسها و برنامه های دوستانه بطور طبیعی وی را در برابر شرایط خاص و دشوار نظیر راه پیمائی طولانی، کوهنوردی، کم خوابی، مسافرت به نقاط دور و دشوار، مخصوصاً دهات و محل های فقر زد.

صرف نظر کردن از برنامه تفریحی یا کار شخصی و ... فرد را در محاسن آزمایش و سنجش قرار داده و عکس العمل و رفتار او را ارزیابی نمود * واضح است که برای اشخاص ضعیف و یا عوامل ناصالح و خرد فروخته به نیست ضعف یا فقدان انگیزه و ایمان و اراده استوار پذیرش و تحمل شرایط دشوار سخت و ناگوار خواهد بود *

ج - توجه به کمیت و کیفیت تماس - هر چه تماس با یک فرد زیاد تر و نزدیکتر باشد بهمان اندازه شناسایی حاصله دقیق تر و واقع بینانه تر خواهد بود * با تماس زیاد در واقع از طول زیستن شناسایی کاسته و عرض زمان شناسایی افزایش مییابد * بدین معنی کسی با روابط زیاد و نزدیک با یک فرد میتواند به روال زندگی و کلیه عادات و ریزه کاریهای اخلاقی وی پی برده و یک شناسایی حقیقی و واقعی دست یافت * برای نمونه با افرادی که برای مدتی هم اطاقی یا در دوره سرازی هم گروهان و هم آسایشگاه بودند باید دارای شناسایی وسیع و واقع بینانهای هستید و بر همین اساس برای شناسایی یک فرد از هم اطاکیها و هم دورهای سرازی وی بعنوان منابع شناسایی میتوان کمک گرفت * باز به همین ترتیب از همکاران و همکلاسیها به علت طول و عرض کافی زمان تماس و بشرط دقت و هوشیاری آنها شناسایی کافی و قضاوت نزدیک و واقعیتی میتواند بدست آورد *

د - شناسایی خانواده و اطرافیان - از آنجا که شخصیت یک فرد جدا از شخصیت خانواده و شرایط پرورش و تربیت وی نیست لذا برای شناسایی دقیق یک فرد باید تماس و روابط را تا بهرحال آشناسی

و شناسایی وضعیت و شرایط اقتصادی و اخلاقی خانواده گسترش داد * شغل پدر و خصوصیات اخلاقی و وضعیت برادران و خواهران وی نه تنها از جنبه شناسایی و اعتماد ضروری است بلکه در صورت اعتماد و اطمینان خواهیم توانست آمادگی و زمینه اولیه آنها را برای تربیت ایدئولوژیک و سیاسی ارزیابی نمائیم چه بسا در آشنایی با برادران یا بستگان نزدیک با فردی برخورد نمائیم که در سازمانهای پلیسی و نظامی یا اداری رتبه دارای وظایف و مسئولیتهای امنیتی و پلیسی و یا مشغول حساسی باشند که در اینگونه شرایط باید ادامه یا قطع تماس بر اساس سنجش کلیه عوامل مثبت و منفی قضیه و با مشورت و نظر تشکیلات یا دوستان همفکر تعیین گردد * بالعکس در بعضی موارد در شناسایی و آشنایی با خانواده به برادران یا بستگانی برخورد میمائیم که دارای انگیزه و زمینه مناسب مبارزه و فداکاری هستند و در اینصورت با سنجش شرایط و امکانات و کمک دوست مورد نظر باید نسبت با آموزش سیاسی و ایدئولوژیک آنها اقدام نمود * باین ترتیب آشنایی و شناسایی خانواده علاوه بر ضرورت امنیتی از لحاظ کشف نیروها و استعداد های جدید مبارزه در بسیاری از اوقات مفید و قابل توجه است *

ه - تضادهای زندگی - افرادیکه در زندگی ناقصه عقیده و ایمان بسیار هستند اما بداشتن آن تظاهر میکنند هر چند هم که در تظاهر و نقش بازی کردن ماهر باشند با آشنایی کافی از وضعیت کار زندگی آنها درمی یابیم که بین فکر و عمل آنها تضادهای آشکار و چشم گیری وجود دارد و ماهیت زندگی آنها نمیتواند عاری از این

تضادهای باشد. دقت و کشف این تضادهای معیار و ملاک مناسبی برای شناسائی و ارزشیابی اینگونه افراد بدست خواهد داد. عموماً زندگی افراد وابسته و در خدمت رژیم که بفراهند با تظاهر و تزویر در مصروف بهارین راهی پیدا نمایند، سراسر تضاد و تناقض خواهد بود. علاوه بر تضاد عمده‌ای که بین اعتقاد و رفتار آنها وجود دارد تضاد مهم دیگری زندگی آنها تضاد بین درآمد و مخارج آنهاست. چون انگیزه اینگونه افراد خود فروخته صرفاً کمپ‌پرل و تأمین زندگی راحت و متعلقات و لذات آنست لذا در عمل هزینه و تشریفات زندگی آنها بسیار بالاتر از حد درآمد و شغل ظاهری آنهاست.

یا مثلاً بطالعه و دانستن کتاب تظاهر میکنند، اما اگر دقت نمائید یا آنها را بخوانند و واگیر خوانند، باشند از اول تا به آخر سر نخورده اند. کلیه این تضادهای ناشی از تضاد عمده تری است که در اصل و اساس بین وابستگی آنها به باطل و تظاهر آنها به حق وجود دارد و لذا اخلاقی بنحوی که سراسر زندگی آنها مملو از تضاد و تناقض است و روال معینی در زندگی آنها حاکم نیست.

و به همسایه و همسوز است. بسیاری از افراد هستند که پس از مدتی آشنائی تمام اعمال و روابط و روال زندگی آنها را خوب یا بهد روشن و آشکار میشود، اما عده معدودی هستند که پس از مدت ها آشنائی احساس میکنند هنوز آنها را خوب ندانند و قسمتها و جنبه های بسیاری از زندگی آنها برای شما گنگ و مبهم و ناشناخته است. البته این قبیل افراد دو جنبه پیدا میکنند، یا اینکه افرادی شریف و متفکرند

هستند که بر اساس درک شرایط پلیسی حاکم، برنامه زندگی و فعالیت ها و روابط خود را از دیگران مخفی میدارند، چنین افراد قلند تا در سطح بالائی از رشد فکری و هوشیاری هستند که برای تمیز و تشخیص آنها در اینحالت باید از سایر معیارها خصوصاً معیار اخلاقی کمک گرفت. چنانچه شخصیت و خصوصیات اخلاقی آنها بایک انسان معتقد و مبارز تطبیق نماید این ابهام خود جنبه مثبتی است اما اگر گنگی و ابهام مثلاً همراه با فساد اخلاقی و تضاد در رفتار و زندگی آنها باشد در اینصورت افرادی مرموز و مشکوک باید تلقی گردند و با توجه و دقت خاصی باید آنها را مورد مطالعه و ککاش قرار داد.

ز - کجکاوی - از آنجا که وظیفه اصلی و نهائی افراد وابسته کسب اطلاعات و شناسائی افراد و انکار آنهاست طبعاً بسیار کجسک و هستند و در مواجهه با خصلت کم گوئی یک فرد تشکیلاتی، چون مجبور بمشوال کردن میشوند کجکاوی آنها بیشتر نمایان خواهد شد و بیش از هر چیز بدانستن نام و فامیل و شغل افراد، علاقه و اصرار دارند. اگر در خصوصیات آنها بیشتر دقت نمائید چون کجکاوی و کسب اطلاعات در حکم کار و وظیفه آنهاست بهر زمان جنبه عادت پیدا کرده، علیرغم تذکر و دستان یا پرده پوشی خودشان باز بطور غیر ارادی در بعضی موارد این کار را تکرار خواهند کرد. جالب اینکه این قبیل افراد چون در اساس زندگی آنها ضعف و تضاد هست بهمان اندازه که در مورد دیگران کجکاوهستند در مورد خود تودار بوده و با اصطلاح معروف نم پس نمیدهند البته در اینجا همان مسئله سابق مطرح میشود که یک

فرد مبارز نیز بدلیل ضرورت شناسائی افراد و محیط اطراف ممکن است کجکاو باشد و همچنین از خود زندگی انقلابی اش کمتر خبر بدهد که در اینجا باز باید از معیارهای دیگر مخصوصاً از معیارهای اخلاقی کمک گرفت. بطور کلی هیچیک از این معیارها به تنهایی برای شناسائی و سنجش يك فرد کافی نیست بلکه ارزش و کاری آنها وابسته به پیشپا ری انقلابی يك مبارز در مقابل قالتاقی يك عامل خود فروخته است.

ح - پرهیز از معیارهای قضاوتی و تعصبی -
بسیاری از قضاوتهای قالبی در شناسائی و اعتماد و اطمینان نسبت با افراد، خطاهای عظیم و جبران ناپذیری ببار خواهند آورد. باین معنی که مثلاً زندان رفتن یا زندانی بودن، معیار و ملاک منحصر بفرد و شرط کافی برای اعتماد و اطمینان با افراد تلقی و تصور گردد. یا اینکه سوابق مبارزه در گذشته و شرکت در چند اعتصاب و تظاهرات در دوره دانشجویی، بعد از گذشت چندین سال، ملاک شایستگی و اعتماد نسبت بیک فرد واقع گردد. برای نمونه در بعضی موارد يك فرد ممکن است بایک دوست بعد از سالها جدائی و عدم اطلاع از احوال و شرایط زندگی او، بر اساس سوابق و شناسائی های گذشته یا دوره زندانی وی، از همان برخورد اول و بدون شناسائی های مجدد، سر صحبت را از اوضاع و احوال و شرایط روز و افکار و زندگی اش باز نماید. غافل از آنکه کسی را که برای مدتها از وی جدا بود مایم و در جریان مراحل بعدی زندگی و تغییرات احتمالی وی در مقابل شرایط متغیر کار و زندگی و اوضاع اجتماعی نبود مایم، هیچگاه نباید بدون شناسائی عملی مجدد هر

اساس همان حسابهای گذشته، نسبت بوی قضاوت و اعتماد کامل نموده و او را از افکار و فعالیتهای خود یا دوستان دیگر مطلع سازیم.

يك نمونه ساده دیگر از اینگونه معیارهای قالبی، معیار روابط خانوادگی است. مثلاً چون فلانی مبارز مومن و قرص و سخنی است پس برادر او هم مبارز و قابل اعتماد است و یا چون فلانی پدرش فرد قابل اعتمادی است خودش نیز باید فرد خوبی باشد و لذا میتوان در بعضی از مسائل مبارزه با آنها مشورت یا فلان خبر را در اختیار آنها قرار داد. غافل از آنکه در عین حالیکه روابط فوق اگر چه ممکن است جنبه مثبتی در جهت اعتماد و اطمینان و اصالت فرد باشد اما بهیچوجه کافی نبوده و باید نظیر يك فرد معمولی و ناشناخته، به شناسائی و ارزیابی خصوصیات و شرایط زندگی آنها پرداخت. بخاطر همین ساده اندیشی هاست که در بعضی موارد رژیم با هزاران تزویر عوامل خود را از میان افراد ی انتخاب میکند که بشوی قابل اعتماد بنظر میرسند.

قضاوتهای تعصبی باندازه قضاوتهای قالبی نیز موجب شناسائی های سطحی و اعتماد های زود رس و نسنجیده خواهد کرد. برای نمونه بارها دیده شده که برخی از مبارزین مذهبی ملاک و معیار قضاوت و اعتماد شان با افراد ناشناخته فقط بر اساس نماز خواندن یا صرفاً حضور و شرکت در جلسات دینی و شرکت در تظاهرات و از این قبیل مسائل صوری است. اینگونه قضاوتهای تعصبی موجب خواهد شد که عوامل رژیم بسادگی در صفوف و دستجات مذهبی و گروههای سیاسی رخنه نمایند. حتی در زندان مشاهده شده که عدای از عوامل رژیم

با تظاهر بانجام فرایش دینی در صدد جلب اعتماد زندانیان سیاسی
مسلمان برمیآید. هدفین در موارد متعددی ملاحظه شده که بعضی
از عوامل رژیم با تظاهر بمطالعه کتابهای مارکسیستی و داشتن افکار
چپ براحتی توانسته اند اعتماد و اطمینان بعضی از مبارزین اصول
مارکسیست را جلب نمایند. البته خطاهای ذکر شده تاکنون بیشتر از
تحلیله مبارزین جوان و کم تجربه صورت گرفته است. بنابراین با آموزش
و آگاه نمودن آنان از تجارب گذشته از تکرار این خطاها برای نیروهای
جوان مبارز میتوان جلوگیری نمود.

در پی رهبر از سواست و سواست های بیست و سه در
تبلیغات خود پیوسته کوشش دارد با بزرگداشت قدرت سازمانهای پلیسی
و امنیتی خود و کاهش پلیسی را بر افکار و اذهان مردم ساده دل حاکم
سازد تا باین ترتیب بر شدت سواست ها و گسترش جو عدم اعتماد کمک
نماید. در این جا وظیفه یک مبارز اینست که نه تنها خود باید از هر نوع
سواست و سواست های بی مورد و حساب نشده اجتناب نماید بلکه در میان
و اطرافیان خود را از هر نوع ساده اندیشی و سواست های عجولانه نسبت
بافراد بر حذر دارد. یک مبارز آگاه در عین اینکه به گزارشات و نظرات
دیگران در مورد افراد مشکوک و اقدامات آنها نباید کم بها دهد
در عین حال باید با برخورداری از سعه صدر و حوصله و ظرفیت انقلابی
از پند گرفتن و انتشار تضارتهای سطحی و عجولانه اجتناب نموده و علیه
گسترش جو عدم اعتماد و روحیه شکاکگیری که دشمن کار و فعالیت
است مبارزه نماید. و درست در اینجا است که آیه ۱۲ سوره حجرات

* اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم * (از بسیاری از گمانها
اجتناب کنید که برخی از آنها گناه است) اهمیت و مصداق حقیقی
پیدا نمایند.

در اینجا نیز آموزش تشکیلاتی افراد و بالا بردن آگاهیهای
ضد پلیسی و نتایج تجربیات گذشته، ابتدائی ترین و مؤثرترین وسیله
مبارزه با روحیه و سواستگیری و محیط عدم اعتماد و اطمینان بحساب
میآید و باید اهمیت و توجه بیشتری برای این مسئله منظور نمود.

در اینجا از ذکر این مطلب نباید غافل بود که در مواردی که
تعدادی از معیارهای فوق در مورد یک فرد صادق باشد نباید با یک
نتیجه گیری جزئی به وابستگی آن فرد تضاروت نمائیم زیرا در باره ای موارد
فقط دلالت بر خصوصیات و کاراکتر پائین طرف مینماید، البته در این صورت
نیز اینگونه افراد نظیر یک فرد وابسته هیچ نوع نقش و رابطهای با زندگی
تشکیلاتی ما نباید پیدا نمایند.

۱۳ - اجتناب از خرد و کاری : خرد و کاری یعنی

مجموعه کارها و اقدامات پراکنده ای که در حد خود و در جهت مبارزه
دارای ارزش و اثره اما در مقام مقایسه با یک مبارزه مشکل ساز و مسان
یافته اقداماتی جزئی و کم اثر محسوب میگردند.

اگرچه همین اقدامات و کارهای جزئی عده کثیری از مسرورم
در مجموع ایجاد کننده آگاهی توده ای و زمینه مساعد انقلاب اجتماعی
خواهد گردید، اما در ابتدای شکل گیری و رشد مبارزه، آنچه کسسه

برای يك مبارز آگاه و پیشتر دارای اهمیت درجه اول میباشد مسئله
تشكل و سازماندهی هر توده و هدایت آن در جهت مبارز مسلحانه است
اذا در این مرحله برای يك مبارز آگاه و پیشتر عرا اقدام دیگری در حکم
نماند و بی و خرید و کاری نخواهد بود *

بهین ترتیب برای مبارزی که در يك گروه مخفی سازمان یافته‌ای
تسکین دارد و یا مورد را برای مبارزه مسلحانه آماده و مهیا میسازد این
اقدامات ناشی از و خرد کاری نه تنها بهره و نتیجه مبارزه تشکیلاتی
این آگاهی است بلکه از نظر اشیائی مخوف تشکیلاتی را در محاسن
لژیون ترور خواهد داد *

کسانی که نظریه‌های طولانی با پدر و مادر و بستگان
در مورد لزوم مبارزه و قبول فدائیات و انتقاد و سرزنش از دوستان
و نزدیکان و شخصیت‌های مذهبی و ملی دادند نوشته و کتاب با افرادی
که آمدند تاخیر آن چندان زیاد نیست و کله‌جار رفتن و کله‌شقی با رئیس
اداره یا مدیر کارگاه و یا استاد و رئیس دانشکده همگی نمونه‌های
ساده‌ای از خرد کاری است و سرکام در عین اثر و تأیید که بر آنها
مترتب است اما برای يك مبارز تشکیلاتی که در مسیر اصلی مبارزه گام
بر میدارد برود آتشین یا این امر منجر به اتلاف انرژی و زمان و افزایش
آسیب پذیری شود سازمانش خواهد گردید *

۱- اجتناب از کجکاری (هدایت کجکاریهای داخلی به
سمت کجکاریهای خارجی) از آنجا که حسن کجکاری و کمین

اطلاعات کم و بیش غریزی و ذاتی انسانهاست لذا برای اینکه اطلاعات
يك مبارز نسبت به اسرار مبارزه و اساسی و نقش همکران و چگونگی روابط
تشکیلاتی و ... از حد کار و وظیفه‌اش تجاوز ننماید، در يك تشکیلات
مخفی شدت باید با این حسن مبارزه نمود و آنرا تحت کنترل و قلعه‌ده
در آورد يك مبارز آگاه باید با درك شرایط پلیسی حاکم و احتمال
دستگیرها و شکنجه‌ها بمسئولیت سنگین نگهداری و حفظ اسرار واقف
بوده و شخصا با اجتناب از کجکاری و از تلقین کردن اطلاعات اضافی در
مورد گروه خود و سایر مبارزین و گروههای مبارز بطیر ارادی خود داری
نماید و شدت در مقابل حسن کجکاری دوستان و همکران مبارزه نموده و
عواقب وخیم این قبیل کجکاریهای غیر ضروری را گوشزد نماید *

بارها مشاهده شده که يك دوست در برخورد های تصادفی با
يك دوست مبارز دیگر وعده‌های از دوستان نا آشنا و علاقه و اصرار زیادی
نسبت بدانستن فامیل و شغل و حتی طرز تفکر آنها نشان میدهد و در
این قبیل مواقع نه تنها از دادن اطلاعات و رضای حسن کجکاری اینگونه
افراد باید خود داری نمود بلکه باید با بیان صمیمانه و منطقی آنها را
از ادامه این گونه کجکاریها بر حذر داشت *

يك مبارز تشکیلاتی بهمان اندازه که از کجکاریهای داخلی
اجتناب میکند نسبت به محیط اطراف مخصوصا نسبت به افراد سازمانها
و برنامه های رژیم کجکار و تیز گوش است و اصولا يك مبارز نمیتواند نسبت
به محیط اطراف و میدان عمل و عرصه پیکار خود با رژیم بی اعتنا و بی
اطلاع بماند *

کجکاوی نسبت به آنچه که در اجتماع و محیط اطراف ما میگذرد
 نه تنها اطلاعات مورد نیاز سازمان و گروه میسر از راه
 برای عملیات بعدی و ادامه مبارزه تامین مینماید، بلکه از نظر ایمنی
 نیز دارای این ارزش و اهمیت است که با کجکاوی و کسب اطلاعات
 از محیط اطراف، قادر خواهیم بود عوامل مخفی و سرسپرده رژیم را به
 موقع تشخیص داده و درجه امنیت خود و سازمانهای مبارز را بهبود بخشیم
 مهارت و ورزیدگی در کجکاویهای خساری و توانائی در کسب
 اطلاعات اساسا هسته اولیه و زیربنای شبکه اطلاعاتی هر گروه یا
 تشکیلات مبارز را می ریزی میکند. برای گسترش هر چه بیشتر مبارزه
 اهمیت و ارزش این شبکه و کارآمدی افراد آن نقش حیاتی تعیین کننده ای
 را ایفا خواهند نمود.

۱۵ - اجتناب از تردد در مکانهای حساس اداری و نظامی :
 در ظرف سه سال اخیر رژیم از ترس حملات انقلابیون شدیداً از
 تأسیسات نظامی و مراکز حساس اداری خود مواظبت و مراقبت مینماید .
 بطوریکه مراکز حساس شهری مخصوصاً کلاسترها و مراکز مخفی ساواک از
 شعاع معینی تحت مراقبت قرار دارند . به همین ترتیب پادگانها و زانه ها
 و جاده های نظامی از فاصله معینی بتوسط دوربین های دید بان
 و مواظبت میشوند لذا در انجام وظایف تشکیلاتی نظیر انتخاب مسیر
 نقل و انتقال نشریات و مدارک مبارزه گرفتن خانه های امن و
 تعیین محل قرار باید بمسائل فوق توجه نمود . حتی الامکان از تردد

یا توقف و پرسزدن در مقابل این مراکز یا گرفتن خانه های امن و تردد یکی
 آنها خود داری کرد . علاوه بر حمله های یاد شده بعضی از مکانهای
 دیگر نظیر کارگاه های شرکت های عمده مسافری در تهران و مراکز
 استانبول بعضی از چهارراه های مهم و سینماهای معروف نیز آلوده
 و مشکوک هستند و از انتخاب آنها بعنوان محل قرار باید خود داری کرد
 و در سایر موارد نیز باین امر توجه کافی مبذول نمود .

۱۶ - انضباط : اصل انضباط بهمان اندازه که
 از لحاظ پیدایش و ساختمان روابط ارگانیکی یک سازمان مخفی، نقش
 تعیین کننده ای دارد از نظر حفاظت و ایمنی همان سازمان نیز دارای
 ضرورت و اهمیت حیاتی است . لذا صرف نظر از اهمیت تشکیلاتی و
 سازماندهی انضباط، ذیلاً جنبه های ایمنی آنرا بررسی مینمائیم :
 قبل از بررسی رابطه نظم و مسائل ایمنی مبارزه، بدو لازم است
 تعریف و مفهوم مشترک و صحیحی از نظم (دیسپلین) بدست آوریم .
 نظم بمعنای کلی عبارتست از رابطه هماهنگ یک شئی یا یک فرد با سایر
 اشیا و یا افراد، در جهت انجام کار یا هدف معین . این رابطه شامل
 ظرف مکانی و ستر زمانی است . برای نمونه، ارتباط خاص میان اجزاء یک
 اتم یا قطعات یک ماشین یا اعضا یک حیوان یا کارکنان یک کارخانه همگی
 برای هدف و مقصد خاصی هماهنگ و سازمان یافته است . در مثالهای
 فوق یک اختلاف کیفی میان چگونگی ارتباط و نظم نمونه های ذکر شده
 وجود دارد . مثلاً رابطه قطعات یک ماشین با رابطهای که میان اعضای

يك موجود زنده وجود دارد از نظر کیفی کاملاً متفاوت است باین معنی که رابطه قطعات يك ماشین بر اساس انجام يك یا چند کار معین و در يك شرایط معین وجود تنظیم شده است و در مقابل تغییر شرایط هیچ انعطافی ندارد (رابطه مکانیکی) و حال آنکه روابط ارگانیکی علاوه بر اثرات متقابل اعضا موجود زنده بر روی یکدیگر در مقابل تغییرات شرایط محیط خارجی و داخلی دارای انعطاف معینی هستند یعنی با تغییر شرایط روابط و نظم جدیدی بین اعضا ایجاد و حاکم میگردد هر چه موجود از نظر تکاملی پیشرفته تر باشد انعطاف و درجه آزادی او در مقابل تغییرات شرایط مکانی زیادتر و روابط و نظم میان آنها دقیق تر و پیچیده تر میگردد.

بر اساس مطالب گفته شده در نوع نظم را فهمیدیم :

۱ - نظم مکانیکی (ماشینی) ۲ - نظم ارگانیکی
در يك سازمان سیاسی "مظيريك" سازمان حیاتی "موجود زنده" مسا منحصراً با يك نظم ارگانیکی سروکار پیدا میکنیم. انتخاب و پیاپی کردن نظم و انضباط ارگانیکی يك موضوع دلخواهی یا تصادفی نیست بلکه بالعکس يك اجبار و ضرورت حیاتی است زیرا در جریان و تحول مبارزه پیوسته با تغییر و دگرگونی شرایط خارجی و داخلی روبرو هستیم. دگرگونی شرایط خارجی از يك طرف به تaktیکها و تکنیکهای گوناگون دشمن (نیروهای استعماری و عوامل داخلی آنها) و از طرف دیگر به استقبال توده مردم از مبارزه و به جبهه گیری قشرهای مترجع اجتماع در مقابل جنبش متوسط میگردد. تغییر شرایط داخلی سازمان نیز مربوط به تغییر تاکتیکها

از دست رفتن بعضی نیروها و امکانات قبلی و یافتن افراد و امکانات جدید است. آنچه که در این میان همیشه باید بر روح سازمان حکومت کسب وجود انضباط و دیسپلین صحیح برای ادامه مبارزه و کسب پیروزی برداشتن است.

موجودیت سازمان در گرو تحرك و انعطاف در مقابل تغییر شرایط خارجی و داخلی مبارزه و برقراری نظم جدید و مناسب بجای نظم قدیمی و شناخته شده گذشته است. در غیر این صورت با اطلاعاتی که دشمن از روابط و تاکتیکهای "سازمان سیاسی" در جریان عمل پیدا میکند در صورت ادامه روابط و نظم گذشته بسمولت قادر خواهد بود بر اساس این دانستی ها ضربه های خود را وارد سازد. لذا باید در مقابل پلیس انضباط ارگانیکی داشت.

تا اینجا مطلب بر سر وجود رابطه عام نظم و ایمنی در مبارزه بود. اکنون برای روشن شدن بیشتر مطلب بذکر موارد و جزئیات گوناگون رابطه انضباط و ایمنی در امر مبارزه میپردازیم :

نظم در اشیا و وسائل :

بین مدارك و كتب و وسائلی که بنحوی در جریان مبارزه ضروری است باید نظم صحیحی ایجاد کنیم باین معنی که مدارك گوناگون را باین بتناسب ارزش و میزان احتیاج و حساسیت دشمن و... طبقه بندی و بنظم نمائیم و بر همین اساس و در محدوده امکانات موجود محللهای مناسب و سازمانهای متناسبی برای نگهداری آنها تعیین نمائیم. در مورد کتاب و وسائل دیگر همین موضوع را باید رعایت نمود. برای مثال کتابهای

چاپ، مخفی یا برخی از کتابهای چاپ آزاد نظیر "جنگ شکر در کوبا" و
 رانک رژیم نسبت به آن حساسیت خاصی دارد نباید با سایر کتابهای چاپ
 آزاد نظیر کتب تاریخی یا رمانهای که حساسیت زیادی نسبت به آنهاست
 وجود ندارد در یک محل نگهداری نمود و چه وجود یک کتاب خاص
 در میان آنها نسبت به نگهداری بقیه حساسیت و توجه بیشتری ایجاد
 میکند. در مورد سایر وسائل همین مطلب نیز صادق است.
 چنانچه مطلب فوق رعایت شود قادر خواهیم بود شخصا یا به
 کمک و توسط افراد دیگر اسناد و مدارک مهم را در مواقع خطر نابود
 کرده یا از دید و دسترس مأموران رژیم خارج سازیم. بالعکس در صورتیکه
 در اینگونه مسائل رعایت نظم و انضباط را ننماییم حتی در شرایط و فرصت
 های مناسبه پیدا کردن و جمع آوری اسناد و مدارک و وسائل مهم و خارج
 کردن یا نابود کردن آنها برای ما و دیگران غیر مقدور است. هستیم
 افرادی که در شروع کار مبارزه، به علت عدم اطلاع و وقت کافی، از اسناد
 داشتند و خلاصه بردارهای خود نگهداری ننموده و در لابلای کتابهای
 درسی یا در گوشه و کنار اتاق و منزل یا محل کار یا در داخل جیب و در کنار
 سایر وسائل پراکنده کرده و از آن بی اطلاعند. باین ترتیب اگر محل لو
 برود و انتقال اسناد و وسائل مهم و تخلیه و ترک مسیح خانه و غیر ممکن و
 خطرات و هواقب وخیم و جبران ناپذیری ببار خواهد آورد.
 در بسیاری از موارد عدم رعایت نظم و ترتیب صحیح در مورد
 نگهداری و مدارک و وسائل به گم شدن بعضی از آنها یا جا گذاشتن در
 محلهایی که رفت و آمد داریم منجر خواهد گردید. بسیاری از اینگونه

اشتباهات را قبل از اینکه بحساب فراموشکاری و یا گرفتاری بگذاریم باید
 ناشی از عدم رعایت نظم و انضباط بدانیم. چه بسا اینگونه گم کردنها
 و جا گذاشتن (در محل یا در مغازه یا در کلاس) موجب اطلاع و آگاهی
 رژیم و لورتن ما و دیگران را فراهم سازد.

نظم در گذار: صحبت های پراکنده و خارج از نظم و قاعده
 صحیح علاوه بر امکان لورتن که قبلا خاطرنشان ساختیم، امکان به خاطر
 آوردن شناسائی فرد لو دهنده صحبت را دشوار و یا غیر ممکن خواهد
 ساخت.

نظم در وقت و زمان: از یک قرار ملاقات ساده بایک فرد مبارز
 گرفته تا شرکت در یک حمله چریکی، زمان نقش حساس و مهمی ایفا میکند
 تاخیر در محل قرار باعث انتظار و توقف طولانی طرف ملاقات و سوءظن پلیس
 نسبت بوی خواهد گردید. لذا در اینگونه قرارها بسته به نحوه قرار
 باید حد اکثر زمان تاخیر را معین و در صورت تاخیر زیاد تر، باید محل
 قرار را ترک نمود. بهین ترتیب هنگامیکه بایک برادر همزم در یک محل
 زندگی میکنیم یا ارتباط داریم باید حد اکثر زمان مراجعت بعد از خاتمه
 یک تماس یا یک مأموریت را مشخص نمود تا برادر همزم در صورت تاخیر
 زیاد تراز حد، خود را برای مقابله با خطر یا تخلیه محل آماده نماید.

نظم در عمل: در یک حمله چریکی که با شرکت
 چندین رزنده صورت میگیرد موفقیت عملیات افراد وابستگی مهمی به
 رعایت دیسپلین و هماهنگی آنها در اجرای طرح عملیات پیدا میکند
 این هماهنگی و سرعت عمل با افراد اجازه خواهد داد قبل از اطلاع

و رسیدن پلیس، محل عملیات را ترك نمایند.

وفاداری سخت به نظم و قرارهای تعیین شده، قبلی :
بسیاری از لورفتن ها و دستگیریها در بد و مبارزات مسلحانه بیشتر باین
خاطر بود که بعضی از مبارزین با اینکه برادر همزیشان در قرار اول
حاضر نمیشده باز در سرار قرار درم حاضر میشدند در صورتیکه طبق
قرارهای قبلی قرار اول شرط سلامتی فرد و حاضر نشدن در آنجا بمعنای
دستگیری یا تحت تعقیب بودن میباشد تلقی گردد. یاد رچند مورد
با وجود اینکه همزم طرف ملاقات، از دادن علامت سلامتی خوداری مینموده
باز با او تماس گرفته میشد. این چند نمونه نشان میدهد تا چه حد همدگی
باید نسبت بقرارهای تعیین شده سخت وفادار باشند. و باز نشان دهنده
این واقعیت است که رعایت این نظم و قرارها در هنگام ارتباطات و اجرای
عملیات تا چه اندازه به اینی ارتباط عملیات کمک خواهد نمود.

نظم شخصی : برای اینکه هر کس بعنوان يك فسر
مبارز تشکیلاتی، موثر و مفید واقع شود و در رابطه با سایر افراد قادر به
پیروی از یک دیسپلین صحیح و منطقی باشد، قبل از هر چیز باید در
زندگی شخصی و اخلاقی اش پیروی از نظم و برنامه معینی را تمرین و حاکم
نماید. زیرا کسی که در زندگی شخصی خود از پذیرش نظم و پیروی از
برنامه حساب شده خودداری نماید بسختی خواهد توانست يك عنصر
تشکیلاتی و منضبط باشد. اگر يك فرد نتواند بین ساعات کار، مطالعه،
خواب، تفریح، روابط دوستانه و خانوادگی رابطه صحیح و منظمی ایجاد
نماید غلا نخواهد توانست در قول و قرارهای تشکیلاتی یا انجسام

تعهدات و مسئولیتهای عقیدتی و مبارزاتی منظم و مرتب باشد. چنین
شخصی حتی از تعیین ظرفیت و مقدرات خود عاجز خواهد بود و
بعبارت دیگر يك برآورد و حساب حقیقی از اوقات فراغت خودش نمیتواند
پیدا نماید. اینست که چنین فرد انجام کاری را در ابتدا با کمال میل و
صداقت تقبل مینماید اما بدلیل نداشتن نظم و برنامه، در عمل فرصت
انجام آنرا پیدا نمیکند.

نظم فکری : برای پیاده کردن نظم در زندگی
شخصی، نظم در اشیا، نظم در زمان (برنامه ریزی) نظم در گفتار و...
باید در خود نظم فکری ایجاد نمود. به عبارت دیگر باید اندیشیدن و
فن منظم اندیشیدن را آموخته تمرین نمود. ماتریست یافتگان فرهنگ
استعماری عموماً به کمک محفوظات خود و استمداد از حافظه و روش قیاس
نسبت بمسائل، اندیشه و تفاوت میکش و تصمیم میگیریم. بیشتر میخوانیم
و کمتر فکر میکنیم. تجزیه و تحلیل مسائل بر اساس انتظام فکری و نظم
اندیشه از روز اول با فرهنگ تحمیلی بر ما بیگانه بوده است بهر صورت
در کار مطالعات و وقایع باید بیاندیشیم و برای اینکه اندیشه ما بیک
نتیجه منطقی و واقع بینانه منجر گردد، باید با پیروی از نظم فکری،
عوامل و عناصر هر قضیه را با شناخت واقع بینانه بر اساس میزان ارزش،
ضرورت، حاکمیت ارتباط قضا یا امکانات موجود، محاسبه و تجزیه و تحلیل
کرده تفاوت نمائیم.

دیسالکتیک نظم : در بعضی موارد بهمان اندازه
که عدم پیروی از نظم و انضباط ممکن است ما را دچار مخاطره سازد،

ادامه یک نظم نیز احتمال جلب توجه و استنباط طرفیان را نسبت
بکار تشکیلاتی ما موجب خواهد شد. برای مثال مسافرت‌های منظم،
خریج از منزل در ساعات معین یا روزهای معین هفته، هفتت‌ها یا
مرخصی‌های منظم یا ماهانه در محل کار حتی اگر همراه با محصل و
پوشش باشد، باز بدلیل نظم خاص می‌تواند سوءظن خانواده یا همکاران
یا دوستان غیر تشکیلاتی را نسبت به کار تشکیلاتی فرد فراهم سازد. لذا
باید در عین پیروی از نظم تشکیلاتی، ساعات و روزهای قرارهای تشکیلاتی
را تغییر داده و از حالت نظم و شکل خاص خارج ساخته و برای تماس‌هایی
که از طریق مسافرت صورت می‌گیرد بطرق مختلف مثلاً با مسافرت گاه و بیگاه
طرف دیگر از مسافرت‌های منظم خود جلوگیری نمائیم.

۱۷- آمادگی برای دستگیری: در شرایط

پلیسی حاکم باید در هر لحظه امکان دستگیری را برای خود تصور و پیش
بینی نمائیم. این موضوع با پیشرفت مبارزه از حالت امری غیرعادی بتدریج
برای مردم و پلیس بصورت امری عادی و معمولی تبدیل خواهد گردید.
اما آنچه که در این مرحله و حتی بعد ها اهمیت دارد این است که با
دستگیری و بازجویی‌های اولیه پلیس و احیاناً تفتیش و بازرسی بدنی، خود
را نیازم و تصور نکنیم که این بازرسی یا بازداشت الزاماً حساب شده و
بدنبال لورفتن ما صورت می‌گیرد. چه همانطور که قبلاً گفتیم، چه بسا بر
اماس احتمال و شانمر یا سوءظن و تشابه با شخص دیگری و وقوع حادثه‌ای
در آن حوالی یا در جستجوی قاچاق، پلیس باین عملیات اقدام کند. در

این حالت چنانچه پلیس احساس نماید که فرد بازداشت شده یا مورد
بازرسی قرار گرفته، حالتی غیرعادی پیدا نمود یا دچار لکت زبسان
و لرزش اندام یا تغییر رنگ چهره شده است سوءظن او شدیدتر خواهد شد
گردید و بازرسی‌های خود را دنبال خواهد کرد و حال آنکه اگر در لحظه
اول بتوانیم بر انصاف خود مسلط گردیم حتی ممکن است از ادامه
تفتیش یا بازجویی بیشتر خودداری نماید.

بطور کلی باید بر اساس این احتمال از قبل خود را برای سؤال
و جواب‌های احتمالی آماده و مهیا نمود، کارت شناسایی همراه داشته
در صورتیکه باد و ست یا دوستان دیگری پیاده یا سواره باشیم قبلاً مقصد
مشترکی انتخاب نمود، همچنین نوع رابطه و آشنائی خود را با یکدیگر از
قبل تعیین و تمرین نمائیم.

۱۸- ایجاد آشنائی و آمادگی ضد پلیسی در خانواده:

از آنجا که سر نوشت یک مبارز قبل از دستگیری و در جریان فعالیت است و
همچنین بعد از دستگیری و در دوران اسارت با اعضا خانواده پیوند
نزدیک و مستقیم دارد، لذا برای بستن راه سوءاستفاده پلیس و علاوه
بر آنکه نباید اطلاعاتی در مورد فعالیت‌های مبارزاتی خود بآنها داده باید
کوشش نمود با ایجاد آگاهی و آشنائی در مورد مسائل این مبارزه و اقدامات
ضد پلیسی و آت‌ها را از ساده اندیشی و خوش باوری در مقابل پلیس نجات
دهیم. در این مورد باید با نهایت دقت و حوصله و تدریجی عمل نمائیم.
اول از همه باید زیربنای اعتقادی و فکری آنها را تقویت یا اصلاح

نمایش بدین آنکه صحبت از مسائل سیاسی کشور و جنایات رژیم شود. آنچه که در این میان بیش از هر چیز سازنده است رفتار همراه با صداقت و صمیمیت و داکاری مناسب به آنهاست. با اطمینان از تأثیر مثبت و موفقیت در این مرحله، میتوان با آشناکردن آنها به مسائل کلی اجتماعی و سیاسی کشور، حاکمیت استعمار، دست نشانده‌گی رژیم نفوذ پلیس و عوامل مزدور ساواک را بتدریج و حساب شده برایشان بیان و تشریح نمود.

بعد از اطمینان از تأثیر و پذیرش این مرحله و ایجاد و برانگیختن خشم و نفرت آنها نسبت به نقش و وظیفه پلیس و عوامل ساواک، باید آنها را به تاکتیکها و روشهای ابتدائی و کلی پلیس و مسائل ایمنی و ضد پلیسی اولیه، بتدریج و حساب شده، آنها را در حد احتیاج و وظیفه شان آشنا نمود. در این قسمت باید حد و مرز دقیق بین آشنائی ضد پلیسی و دادن اطلاعات از کار تشکیلاتی خود به آنها را دقیقاً رعایت کنیم.

آنچه که در این اصل حائز اهمیت درجه اول است توجه به نقش زن در مسائل ایمنی مبارزه و اقدامات ضد پلیسی است. هر چه خشونت و پیگردی پلیس شدیدتر و وسیع تر گردد بر حساسیت و اهمیت نقش زن افزوده میگردد. لذا در اصل آماده سازی و آموزش ضد پلیسی در خانواده، باید خواهر و زن و حتی مادر در متن برنامه قرار گیرند. باز باید تأکید کرد چنانچه این آشنائی با در نظر گرفتن آمادگی اولیه آنها و آموزشهای مقدماتی لازم، بعمل نیاید ممکن است نتیجه

معکوس ایجاد نماید و بجای یار شاطر بار خاطر گردند.

بهر صورت آموزش ضد پلیسی خانواده مخصوصاً زنان در صورت آمادگی برای نمونه می تواند در زمینه های ذیل مفید افتد:

— رازداری نسبت به اعمال و عقاید همسر، برادر، خواهر و

فرزند در محافل و مجالس خانوادگی و دینی و محلی.

— عدم کنجکاوی در رفت و آمد های دوستانه و مسافرتها و بطور

کلی دخالتهای غیر ضروری بر اساس اعتماد و صمیمیت متقابل.

— شناسائی و کسب اطلاعات لازم از همسایگان و محیط اطراف.

— چگونگی مخفی کردن اسناد و مدارک و جاسازیهای لازم.

— نحوه از بین بردن یا نقل و انتقال اسناد و مدارک و کسب

در مواقع خطر.

— آشنائی و تمرین در مورد نحوه ارتباط و خبررسانی در شرایط

عادی و در مواقع خطر (برای نمونه یکی از وظائف حساس آنها

اینست که بعد از دستگیری یکی از اعضاء خانواده به ملاقات

افراد فامیل یا دوستانی راکه ممکن است در معرض خطر

باشند مطلع و هشدار سازند) .

— آشنائی با اصول تعقیب از جانب عوامل ساواک و آگاهی به چگونگی

کنترل و اطمینان از تحت تعقیب نبودن خود یا تحت نظر

نبودن منزل و اطراف آن زیرا بعد از دستگیری یکی از اعضاء

خانواده امکان زیاد دارد سایر افراد خانواده حتی زنان

و دختران خانواده را برای شناسائی دوستان و

ارتباطات برای مدتی مورد تعقیب قرار دهند لذا بسرای
 جلوگیری از لزوم رفتن دوستان و آشنایان دیگر باید در این مورد
 آشنائی و آموزشهای لازم را فرا گیرند .
 - آشناکردن آنها به نحوه سوالات بازجویان ساواک و نحوه
 جواب دادن به آنها بر اساس الگوه اختصار در جواب ورود مست
 نخوردن از بلوفها و ...
 - مقاومت در مقابل تهدیدها و الوتیهات و تهمین و عوامل یا
 بازجویان ساواک همچنین بیازی گرفتن و ارزش ندادن به
 همدردیها و لمس و پیاپی و صحبت ها و وعده و وعید های آنها .
 - آزار عوامل و مراکز پلیس و ساواک برای کسب اطلاعات و گرفتن
 ملاقات با عضود دستگیر شده خانواد و در این قسمت زبسان
 مخصوصا مادران توانسته اند علیرغم میل شوم دست بغافلگریهای
 وسیع زده و تبلیغات مؤثری برای جنبش ببرد ازین .
 - خود داری از بروز ضعف روحی در برابر سایر بستگان و
 آشنایان و خانواد و فای زندانیان و سایر مردم خصوصا عوامل
 وادورین شوم . از آنجاکه این مطلب نقش مهمی برای گسترش و
 تبلیغ مبارزه عادلانه خلق ایران دارد برای واقف ساختن آنان
 به نقش حساس خود باید از واقعه قیام حسین و نشر وظیفهای
 که خواهر و سایر اعضا خانواد حق طلب و داناترین ایمان دارند
 استمداد نمود و چه با توجه بزمینه اعتقادات مذهبی خانواد
 های کثیه مبارزین ایران سرگذشت این قیام نمونه عینی و روشنی

برای استواری و مقاومت خانواد ها در راه حق و در برابر
 رژیم فاسد کثونی خواهد گردید .
 باید امیدوار باشیم با آموزشهای اولیه و تجربیات عملی که
 مادران و خواهران و همسران و بستگان مبارزین در مبارزات پشت جبهه
 کسب مینمایند قادر خواهند بود در آینده نزدیک بطور وسیع تر و
 کارآمدتری در صف اول مبارزه شرکت نموده و وظیفه آرمانهای انسانی و
 ملی و اسلامی خود را صورت تحقق بخشند .
 تجربیات اخیر جنبش نشان داد که برای تحقق و وصول به این
 امید و آرزو فاصله چندانی در پیش نیست .

۱۱ - حشمت نداشتن از پلیس : هیچ چیز

باندازه حشمت از پلیس و ارج نهادن بیش از واقع بدشمن به امنیت رژیم
 و ثامنیتی مخدمت نمیکند . حشمت داشتن از قدرت پلیس و ساواک و گمان
 باطل بر تسلط و آگاهی کامل آنها بر حوادث و فعالیت های مخالفین ،
 خواست و هدف اولیه رژیم بوده و در سه موقعیت ذیل سلامت و امنیت
 رژیم و سکون و ثامنیتی ماکمل میکند :

- الف - قبل از تصمیم فرد مبارزه با رژیم (دوره تصمیم گرفتن)
- ب - در آغاز فعالیت های تشکیلاتی و در جریان عمل (دوره عمل و مبارزه)
- ج - در جریان دستگیری و بازجویی (دوران اسارت)
- الف - حشمت نداشتن از پلیس در دوره تصمیم :

وحشت مردم از رژیم و عوامل پلیس در این مرحله بیش از سایر مراحل کار رژیم و مزدوران امنیتی اش را راحت میکند زیرا بدون استخدام افراد و وسائل و صرف وقت و قبول مخاطرات و ارتکاب جنایت و حمله و تجاوز و ساختن زندان و گماشتن زندانبان و صرف هزینه با امنیت جانی و آسودگی خیال بسط غارتگریها و کمارانیهای خود ادامه داده و با سینه مستبر و چهره بی شرم ادعای حکمرانی بر جزیره ثبات و امنیت را مینمایند.

باین دلیل دشمن کوشش میکند تا از طریق تبلیغات گوناگون خصوصا مصاحبه های تلویزیونی بسازمانهای پلیسی و امنیتی خود قدرت سحرآمیز داده داعیه شکست ناپذیری خود و ضعف مطلق مبارزین و مخالفین را ثابت کند. یاد رافو و اذهان توده مردم تعداد اعضا و عوامل امنیتی خود را به میلیونها نفر برساند و باین وسیله تخم وحشت و عدم اعتماد عمومی را در دلها بکارد.

ما در این مورد تنها روی دو نکته اساسی تکیه میکنیم - نکته اول قدرت و عظمت و ظرفیت بی نهایت نوع انسان و بهرچه خلقهاست در این مورد گواه ما تاریخ جوامع انسانی و تجربیات انقلابیون عصر حاضر است. هنوز تجربه خلق ویتنام و عظمت و برتری انسان در مقابل سلاحهای پیچیده و مهیب در پیش روی ماست. این تجربه بما میآموزد که سلاحهای پیچیده و پیشرفتهای را که محصول صدها سال تجربه علمی و تکنیکی است میتوان با نیروی اندیشه و اراده و تجربه انقلابی توده های مبارز از جان گذشته و مو من خشن و نابود ساخت. این است همان خلافت و تکامل بی نهایت انسان. انکار این حقیقت و قدرت خلق ها یعنی انکار تکامل

انسان، با نتیجه هر نوع طرح نقشه پلیس رژیم از صدور کارت شناسائی برای همه مردم گرفته تا افزایش نیروهای پلیسی تا دیوار کشیدن بدور مرزها و توسل به مستشاران آمریکائی و اسرائیلی و ماشینهای محاسبه الکترونیکی هیچکدام نخواهد توانست اراده و خواست خلقها و نظام آفرینش را در گسستن بند های ظلم و استثمار و تکامل بسوی حق و کمال مطلق متوقف و متزلزل سازد. اگر چه بتوانند برای مدت کوتاهی که در مقام مقایسه با مسیر تاریخ، جز لحظاتی بیش نیست حرکت آنها را در تر نمایند اما ایمن کنند کردنها را ضد انقلابی با جهش های انقلابی خلق و نابودی ضد انقلاب جبران خواهد گردید. با ایمان و اعتقاد باین پیروزی نهائی هر نقشه و طرح پلیسی آنها را با نقشه و طرح متقابل میتوان و باید خنثی کرد.

ب- وحشت نداشتن از پلیس در دوره عمل: ترس و وحشت همیشه ناشی از عدم شناسائی صحیح دشمن و تکنیکها و روشهای او است لذا همیشه شروع مبارزه مسلحانه نیازمند شهادت و جسامت فوق العاده است اما اکنون با گذشت سه سال از شروع مبارزه مسلحانه و کسب تجربه انقلابی و آگاهی از روشها و خط مشی ضد انسانی رژیم میتوان با سرمایه ایمان و اعتقاد اولیه و بدون ترس و وحشت شروع بعمل نمود.

وحشت نداشتن در این مرحله نه تنها مانع از گسترش دامنه مبارزه و پیشبرد آنست بلکه ترس از پلیس در هر مرحله از عمل موجب دستپاچگی و اعمال و رفتار غیرعادی و جلب توجه پلیس خواهد گردید. لذا باترین عملی و تلقین روانی باید بر این ترس کاذب و غیر ارادی غالب

آمد و بهترین روش ممکن شروع از اعمال ساده و ابتدائی و ادامه تحصیل و تکاملی تمرینهای عملی است.

۱- وحشت داشتن از پلیس در حین عمل موجب تردید و دلدلی و مانع تصمیم و طاعتیت و سرعت عمل خواهد گردید و همین امر باعث شکست نقشه و تضعیف روحیه دیگران و فرار سیدن احتمالی پلیس خواهد شد.

۲- ترس ما موجب تقویت روحیه و قوت قلب دشمن و ادامه تعقیب ما خواهد گردید و بالعکس جسارت و بی باکی ما در حین یک عمل انقلابی یا در حین دستگیر شدن موجب تضعیف روحیه و فرار پلیس میشود. باید ایمان داشته باشیم که یک نفر مزدور که صرفاً برای گذران معیشت و لذت زندگی به خدمت ساواک درآمده است در جائیکه خطر را بطریق جسادی احساس نماید جان خود را به خطر نخواهد انداخت. از قدیم گفته شده پلیس خصلت سنگ را دارد اگر بترسی و فرار کنی دنبالته میکند و احیاناً تازم بگیرد اما همینکه بطریق جدی و با شهامت دستت را بطرف سنگ دراز کنی فرار را برقرار ترجیح خواهد داد.

ج - وحشت نداشتن در دوره اسارت : عدم ترس و وحشت در این دوره ما را از امتیازات ذیل برخوردار خواهد ساخت :

۱- عدم ترس و وحشت و سوءظن پلیس را نسبت با اهمیت و ارزش نقش ما در عمل و در داخل تشکیلات کاهش خواهد داد و بالنتیجه از شدت و دوره شکنجه خواهد کاست.

۲- وحشت نداشتن و تسلط بر اعصاب را افزایش داده و متعاقباً گوی

و جوابهای نامناسب در طی بازجویی هارا کم خواهد کرد.

۳- ترس و وحشت بعنوان یک نقطه ضعف، مأمورین ساواک را نسبت بگرفتن تعهد همکاری از مبارز دستگیر شده یا انجام مصاحبه تلویزیونی با وی تشویق و امیدوار خواهد نمود و خواهند کوشید او را بیشتر بترسانند و تحت فشار قرار دهند. در خاتمه این اصل لازم است این نکته را مجدداً تاکید نمائیم که نه تنها باید در درون خود بر روحیه ترس و وحشت از ساواک و بزرگ بینی دشمن غلبه نمائیم بلکه بعضی مشاهده این روحیه در نزد دوستان و نزدیکان مورد اعتماد، شدیداً با آن مبارزه نمائیم و بیاد داشته باشیم که خلق مسلمان ایران بر اساس اعتقاد جز در مقابل قدرت خالق هستی، از هر قدرت استعماری و ارتش و پلیسی نخواهد ترسید. " ولا تخشوه و اخشونی... والله احق ان تخشوه " (از آنها نترسید و از من بترسید... و خدا اسزوارتر است که از او بترسید)

۲۰- هوشیاری و بیداری : مطالبی که تاکنون بیان

شده کم و بیش بر اساس تجربیات چند ساله جنبش و روشها و تاکتیکهای ساواک تهیه و تدوین یافته لذا نه حاوی تمام تجربیات و آموزشهای جنبش است و نه روشها و تاکتیکهای پلیس در آینده ثابت خواهد ماند. بنابراین یک مبارز نمیتواند آگاهیهای ضد پلیسی خود را در محدوده مطالب این نوشته یا هر نوشته مشابه دیگری کامل و کافی تصور نماید. آنچه که از اینگونه نوشته ها میتوان انتظار داشت پدید آوردن دید اولیه یا توجه

یافتن به بعضی نکات اینی و تجربیات مبارزه است. لذا چیزی که باید
 قبل از همه، اساس و مبنای کار قرار گیرد هوشیاری و ابتکار فردی و جمعی
 است. هوشیاری در زمینه کسب اطلاعات در مورد دشمن، تجزیه و تحلیل
 آنها، نتیجه گیری، یافتن تاکتیکهای جدید، پلیس و ساواک و خنثی ساختن
 آنها از طریق روشها و طرحهای ابتکاری فردی و جمعی حساب شده...
 باید تمام سرمایه های ذهنی و ابتکارها و استعداد های فردی
 و تودمای را برای یافتن روشهای عمل و مبارزه در جهت شکست توطئه ها
 و برجیدن دامهای پلیس بسیج نموده و تکرار اندازیم.
 باید از حوادث و وقایع مبارزه پیوسته بیاموزیم و با تجزیه و تحلیل
 آنها آموخته های جنبش را غنی و تنی تر سازیم.
 توجه داشته باشیم " امکان اشتباه کردن همیشه موجود است
 اما يك اشتباه را نباید دوباره تکرار کرد "
 " والذین جاهدوا فینالشهد بنهم سبلنا "
 کسانی که در راه ما کوشیدند البته آنها را در راهمان هدایت
 خواهیم کرد.

پایان

دیسماه - ۵۲